

چرا روح‌القدس داده شد؟



چنانکه می‌بینید، برادر نویل قلباً به دست‌گذاری باور دارند.

می‌بینم که تعدادی پرسش برایم آمده است. بله، فردا شب به آنها می‌پردازم چون امشب وقت نمی‌کنم آنها را از نظر بگذرانیم، احتمالاً درباره‌ی پیغام دیشب است. حال، چنانچه کسی سؤالی درباره‌ی هریک از پیغام‌ها دارد، یک شب آنها را بالا بگذارد تا بتوانم شب بعد آنها را بردارم.

۲ حال، دلم می‌خواهم فردا شب در صورت امکان عزیزانی را پیدا کنم یا در واقع عده‌ای از خادمان را داشته باشم یا اینکه شماری از مردان و زنان نیکو و استوار که بتوانیم در صورت نیاز آنها را فراخوانیم تا در مواقعی که...

فردا شب پس از پیغام، دست‌گذاری برای [دریافت] روح‌القدس را شروع می‌کنیم. و سپس قرار است یک... اگر دلتان خواست صاحب اختیارید و می‌توانید در تمام مدت تعطیلات همین‌جا بمانید، اگر این زمان برای مردن [امنیت‌ها] کفایت کند. اگر نه، بعد-بعدهش هم چنانچه مایلید به منزل خود بروید، باعث شادمانی ما خواهد بود تا اگر در موقعیتی قرار بگیرید که... نمی‌دانید کجا و سراغ که بروید...

خواستگی ما این است که شماره‌ی خادمانی که مهمان هستند را داشته باشیم. به عبارتی آنجا که مستقر هستند و اقامت دارند... تا بتوانیم فوراً با آنها تماس گرفته و در دست‌رسان باشند. به این ترتیب یکی به یک خانه برود، دیگری به خانه‌ای دیگر و یکی به جایی دیگر تا بتوانند راهنمایی‌های مرتبط را در اختیاران قرار دهند [در اختیار] شما که جوای آن برکت عظیم هستید که درباره‌اش سخن می‌گوییم یعنی تعمید روح‌القدس.

۳ شب گذشته از «چیستی آن» سخن گفتیم. [از اینکه] روح‌القدس چه بود؟ و دریافتیم که تقریباً همه‌ی آن چیزی است که پروردگار به ما وعده داده است. بله-آری. هرآنچه کلیسای خدا نیاز دارد در او یافت می‌شود. دریافتیم که او یک مَهر است، یک تسلی‌دهنده، راحت، شادمانی، آرامش و رستاخیز. و همه‌ی آن امور که خدا به کلیسای خود وعده داده، در بطن روح‌القدس قرار گرفته است.

۴ و اینک امشب قصد داریم تا موعظه‌ای یا گفتاری یا تعلیمی درباره‌ی... در اینجا نزدیک سه یا چهار برگه یا در واقع نگاشته‌هایی درباره‌ی آن دارم که در آنها... شب گذشته وازنامه‌ی کتاب مقدس خود [که اثر] کرودن است را اینجا گذاشتم و آن را نیاوردیم. و مجبور بودم امروز تا جایی که در توانم بود نگاشته‌های مقدس را مرور کرده و با آنها پیش بروم. اکنون و فردا... امشب در این باب سخن می‌گوییم که هدف خدا/از فرستادن روح‌القدس چه بود؟ کار و کارکرد آن چیست؟ اگر چنین امر باشکوه و عظیمی است چرا خدا آن را فرستاد؟

۵ سپس فردا شب می‌خواهیم در این باب سخن بگوییم که آیا برای شماسه؟ و اینکه چگونه آن را می‌باید؟ و اینکه وقتی آن را یافتید چطور آن را می‌فهمید؟

و آن‌گاه پس از بررسی و تبیین این موضوع با نگاشته‌ها و بهره جستن از نگاشته‌های مقدس برای همه‌ی امور، کسانی که جویای روح‌القدس هستند می‌توانند جلو تشریف بیاورند. و در نتیجه امیدوارم که از آن موعده، بیداری به جریان افتد تا بشود از آنجا به بعد را با روح‌القدس حرکت کرده، پیش رفت.

۶ باری، از آنجا که ممکن است فردا شب عده‌ی بسیاری برای مدت زمان نسبتاً زیادی در اتاق‌های کلیسا بمانند، حس می‌کنم [بهتر است] اگر بتوانیم به همان اندازه خادم داشته باشیم و همچنین کسانی که تجربه‌ی هدایت مردم برای دریافت روح‌القدس را دارند، تا آنها را تشویق کنند و همراه خانمی که با شوهرش است راهی منزل شوند یا با کسی که طالب روح‌القدس است بروند و به خوبی با نحوه‌ی انجام کار آشنایی داشته باشند.

در صورت تمایل، لطف کنید امشب یا فردا شب فقط شماره تلفن یا آدرس خود را به شبان بدهید. کفایت فقط آن را به برادر نویل بدهید، به این ترتیب این کار، ما را از جمع شدن به قصد برپایی یک جلسه بی‌نیاز خواهد کرد. فقط شماره تلفنی از خودتان بگذارید که از طریق آن بتوانیم با شما در تماس باشیم. و همان‌جا بگویید: «در دسترس خواهم بود و اگر ما... اگر می‌خواهید [می‌توانید] مرا برای [رفتن به] یک خانه در نظر بگیرید.» اگر [اهل آن خانه] یک زن تنها باشد، در آن صورت توجه داشته باشید که می‌توانیم یک خواهر را برای [رفتن به خانه‌ی] آن خانم اعزام کنیم. و اگر در خانه‌ای آقای به همراه خانمش زندگی می‌کند آن‌گاه می‌توانیم یک خادم را بفرستیم.

و خوشحال خواهیم شد که از همکاری شما بهره‌مند شویم زیرا می‌دانم که تک‌تک شما به این امر که اصلی‌ترین چیز است، علاقه دارید. و این را به خاطر بسپارید که: «هر که جانی را از ضلالت راهش برهاند، گناهان بسیار را پوشانیده است.» توجه دارید؟ و عروس مسیح دارد گرسنگی و تشنگی می‌کشد. او در حال تحمل درد زایمان است تا فرزندان خدا را به دنیا بیاورد.

۷ و اینک امشب پیش از قرائت نگاشته‌های مقدس، بیایید دمی سرهایمان را برای دعا خم کنیم. و قبل از اینکه دعا را شروع کنیم، شما که سرها را خم کرده‌اید، آیا درخواستی دارید؟ کفایت دست‌های خود را برافرازید و بگویید: «پروردگارا، با جدیت و قاطعیت دست‌های خویش را برمی‌افرازم. نیازمندم. خداوندا دعا می‌کنم که امدادم فرمایی.» خدا به تک‌تک شما برکت دهد. او دست‌ها را می‌بیند. فرشته‌ها خواسته‌ها و مسئله‌های ایشان را ثبت کرده‌اند.

۸ و ای پدر آسمانی، اینک بار دیگر در دعا آمده و به محضر نزدیک می‌شویم. و شکی در این نیست که امشب در این مکان کوچک، فرزندان خدا پیش‌تر دعا کرده‌اند و

سرودها خوانده شدند و در وجد و سرورهای سرخوشانه، حمد و تمجیدگویان دل‌های خویش را برافراشتیم.

۹ داود گفت که وارد جماعت مقدسان خواهد شد و خواسته‌های خود را بلند خواهد کرد. و امشب شمار دست‌ها بسیار بود. چه بسا، شاید بتوان گفت هشتاد درصد عزیزانی که امشب در این ساختمان نشسته‌اند، دست‌های خود را برای درخواست‌هایی برافراشتند. خداوند این موضوع نشان می‌دهد که بدون تو نمی‌توانیم پیش برویم. باید هر روزه تو را داشته باشیم. تو حیات اعظم ما، شادمانی ما، سلامتی ما، قدرت نگاه‌دارنده‌ی ما، سکونت ما، مجن ما و سپر ما در برابر دشمن هستی.

و به هیچ وجه نمی‌توانستیم بدون تو جنگاور نبرد زندگی باشیم. چنین کاری کاملاً برای ما ناممکن است، باید تماماً به تو تکیه نماییم. زیرا می‌دانیم که در میان زمینی فرورفته در ظلمت و تاریکی گام برمی‌داریم. دشمن از هر جهت ما را احاطه کرده، به ما می‌تازد و دام‌ها و تله‌ها می‌گستراند. خداوند مسیر ما پر از تله‌هایی است که دشمن به منظور ساقط کردن ما پهن کرده است.

۱۰ و ما نیز می‌دانیم که در انتهای این جاده، از آن وادی سایه گرفته‌ی رازناک طویل که موت نام دارد سر درمی‌آوریم تا از آن عبور کنیم. خداوند، آن‌گاه کیست که دستمان را بگیرد؟ ای خداوند، می‌خواهیم اکنون تو را بشناسیم. دلمان می‌خواهد بدانیم که تو دستان ما را گرفته‌ای و ما دستت را گرفته‌ایم تا بتوانیم یقین حاصل نماییم به گونه‌ای که وقتی به آن واپسین لحظه‌ی بزرگ زندگی خود می‌رسیم و از آن در که نامش مرگ است وارد می‌شویم، بتوانیم هم‌نوا با آن مقدس روزگار کهن بگوییم: «او را در قوت قیامت وی می‌شناسم و می‌دانم که چو مرا بخواند از مردگان برخوادم خاست.»

۱۱ اینک، ای پدر ما خدا، می‌خواهیم دعا کنیم تا به درخواست‌ها و جمع شدن ما برکت عطا فرمایی. کلام خویش را مبارک فرما. و اگر چیزی بگوییم که برخلاف کلامت یا اراده‌ات باشد، این قدرت را داری که دهان را ببندی، همان‌طور که در چاه شیران کردی، موقعی که دانیال آنجا بود. خداوند، دعا می‌کنیم تا امشب گوش‌ها و دل‌ها را باز کنی و در آنها گرسنگی و تشنگی ایجاد نمایی. بشود که چنان تشنه باشند که هیچ‌جا توان خفتن و آرام گرفتن نداشته باشند تا وقتی تسلی‌دهنده بیاید.

۱۲ باور داریم که در روزهای واپسین روزگار می‌گذرانیم، بسیار نزدیک به بازگشت وی هستیم. و ای خداوند هدف از اعلام این پیغام‌ها این مهم است که مردم توجه نموده، هشدار را دریافت کنند. و باشد که امشب و هم اینک پوسته را بکنیم و آن را گوشه‌ی نیمکت بنهیم و بگوییم: «خداوند خدا، من ظرفی در اختیار تو هستم. بگذار جریان روح مرا درنوردد. مرا شکل بده و عین آنچه اراده فرموده‌ای، بساز. قلب، قدرت و همه چیزم را تسلیم هدف و برنامه‌ات می‌کنم.»

۱۳ خداوند ما را بشنو. در این شب بارانی اینجا برای دیده شدن حاضر نشده‌ایم. به این خاطر اینجا نیستیم که جای دیگری برای رفتن نیست. ما برای یک هدف جدی،

قدسی و مقدس در دل‌هایمان اینجا هستیم یعنی تقرب جستن به تو، با علم به اینکه وعده دادی که اگر به تو تقرب جوییم تو هم به ما نزدیک‌تر خواهی شد. و به همین خاطر است که اینجا هستیم. آنکه گرسنه می‌آید گرسنه نخواهد رفت. «خوشبحال گرسنگان و تشنگان عدالت» این گفته‌ی عیساست «زیرا ایشان سیر خواهند شد.» و اگر نان بخواهیم، سنگ نخواهیم گرفت. این اطمینان را داریم. و اگر ماهی بخواهیم، مار نخواهیم گرفت. بلکه پدرمان خدا ما را به من آسمانی تغذیه خواهد کرد، به کلام و روحش که از او شهادت می‌دهند. خداوند، در حالی که به انتظارت نشسته‌ایم، دعاها و خواسته‌های ما را اجابت فرما. در نام عیسی مسیح دعا می‌کنیم. آمین.

۱۴ حال، شما که این نگاشته‌ها را یادداشت می‌کنید، اگر می‌شود ورق بزنید و یوحنا ۱۴ را همراه من باز کنید. قصد داریم از باب ۱۴ انجیل یوحنا آغاز کنیم. بیاید از آیه‌ی ۱۴ شروع کنیم، انجیل یوحنا ۱۴:۱۴ و بخشی از این نگاشته را قرائت کنیم. باری، بخش عمده‌ی مضمونی که می‌خواهم امشب درباره‌اش سخن بگویم را همین‌جا خواهید یافت.

۱۵ و شما که کتاب مقدس‌هایتان حروف قرمز رنگ دارد، یادتان باشد که این فراز با حروف قرمز مکتوب شده است. اینها سخنانی است که خود عیسی بر زبان آورد بنابراین می‌توانیم مطمئن باشیم چنانکه او فرمود خواهد شد. «آسمان و زمین زایل خواهد شد لیکن کلام وی هرگز نخواهد افتاد.»

باری، باید مطلب را از آیه‌ی ۱۴ و باب ۱۴ قرائت کنیم.

اگر چیزی به اسم من طلب کنید من آن را بجا خواهم آورد.

عجب وعده‌ی مبارکی!

اگر مرا دوست دارید، احکام مرا نگاه دارید.

و من از پدر سؤال می‌کنم و تسلی‌دهنده‌ای دیگر به شما عطا خواهد کرد تا همیشه با شما بماند؛

یعنی روح راستی که جهان نمی‌تواند او را قبول کند زیرا که او را نمی‌بیند...

حال، شما که مطلب را از یک کتاب مقدس یونانی می‌خوانید، ملاحظه می‌کنید که در اینجا، نه... دیدن در آنجا یعنی «فهمیدن». «زیرا جهان او را نمی‌فهمد، درکی از او ندارد.» این نکته بسیار درست است. حال اجازه دهید دوباره آن را بخوانم.

یعنی روح راستی که جهان نمی‌تواند او را قبول کند زیرا که او را نمی‌بیند و نمی‌شناسد و اما شما او را (چه کسی را؟ تسلی‌دهنده را) می‌شناسید، زیرا که با شما می‌ماند (فعل زمان حال)... با شما می‌ماند و در شما خواهد بود.

منظور چیست؟ همان تسلی‌دهنده.

شما را بی‌کس نمی‌گذارم، من...

همه می‌دانند که «من» یک ضمیر شخصی است.

... من نزد شما می‌آیم.

بعد از اندک زمانی جهان دیگر مرا نمی‌بیند و اما شما مرا می‌بینید و از این جهت که من زنده‌ام، شما هم خواهید زیست.

و در آن روز شما خواهید دانست که من در پدر هستم و شما در من و من در شما.

این مهم مرکز تفکرم [و نظراتی که طرح می‌کنم] است ولی قدری بیشتر قرائت خواهیم کرد. اجازه دهید اکنون دوباره آن را بخوانم.

در آن روز (آن روز بزرگ، روز داوری) آن روز شما خواهید دانست که من در پدر هستم و شما در من و من در شما.

هر که احکام مرا دارد و آنها را حفظ کند، آن است که مرا محبت می‌نماید و آنکه مرا محبت می‌نماید، پدر من او را محبت خواهد نمود،

و من او را محبت خواهم نمود و خود را به او ظاهر خواهم ساخت.

یهودا، نه آن اسخریوطی، به وی گفت: ای آقا چگونه می‌خواهی خود را به ما بنمایی و نه بر جهان؟

واژه‌ی کازموس به معنی «نظام جهانی» به کار رفته است. اگر در آن قسمت از کتابتان [یادداشتی حاشیه‌ای دارید متوجه خواهید شد. مال من یک حرف «g» است و همان‌جا آمده است: «کازموس یا سیستم جهان.» این همان کلیساها و نظایر آن است، توجه دارید.

... چگونه قرار است خود را بر ما بنمایی و نه بر آنها؟ چگونه این کار را خواهی کرد؟

عیسی در جواب او گفت: اگر کسی مرا محبت نماید، کلام مرا نگاه خواهد داشت (آمین) و پدرم او را محبت خواهد نمود و به سوی او آمده، نزد وی مسکن خواهیم گرفت.

و آنکه مرا محبت ننماید، کلام مرا حفظ نمی‌کند...

چه بسا کلام کلیسا را حفظ کند ولی [اصل] حفظ کلام اوست، توجه دارید.

... و کلامی که می‌شنوید از من نیست بلکه از پدری است که مرا فرستاد.

این سخنان را به شما گفتم وقتی که با شما بودم.

لیکن تسلی‌دهنده یعنی روح‌القدس که پدر او را به اسم من می‌فرستد، او همه چیز را به شما تعلیم خواهد داد و آنچه به شما گفتم (یعنی کلامش را) به یاد شما خواهد آورد.

با این اوصاف خدا روح‌القدس را با چه هدفی فرستاد؟ باشد که برکاتش را بر کلامش مزید فرماید.

۱۶ عیسی گفت: «در آن روز خواهید دانست که من در پدر هستم و پدر در من است و شما... من در شما هستم و شما در من.» حال اگر قرار بود این را بگوییم...

۱۷ باری، یادتان باشد که این مطالب ضبط شده و روی نوار باقی خواهد ماند.

کمی قبل تر یک بازرگان مسیحی از لوئیویل با من تماس گرفتند و گفتند: «بیلی، بسیار حیف است. پیغام‌هایی نظیر آنچه دیشب ایراد کردی تنها به صد و پنجاه، دویست یا سیصد نفر در همین خیمه و این کلیسای کوچک می‌رسد، در حالی که جا دارد چهل هزار نفر شنونده داشته باشد.»

۱۸ عرض کردم: «جناب، اگر عیسی همین الان برنگردد تا شش ماه دیگر مردم در سراسر جهان همین پیغام را خواهند شنید.» ملاحظه می‌کنید؟

چنانکه مستحضرید این نوارها به سراسر جهان می‌روند، از این سو تا آن سو. و در نتیجه اکنون ما در اینجا چیزی که معتقدیم حقیقت است را تعلیم می‌دهیم یعنی آنچه پی برده و دریافتیم که خدا حقیقت بودنش را برایمان تأیید فرموده است.

۱۹ باری، هدف، چه-چه... خدا با چه هدفی روح‌القدس را فرستاد؟ حال، این را یادداشت خواهم کرد، یوحنا ۱۴، از آغاز آیه‌ی ۱۴ و ادامه‌اش را در این باب می‌توان خواند که به عنوان مبنا او پایه‌ی بحث است. چنانکه در اینجا می‌بینیم خدا از فرستادن روح‌القدس یک هدف داشت و آن هدف این بود که خود خدا بتواند در کلیسایش ساکن شود و طرح‌ها و برنامه‌هایش را از طریق کلیسا ادامه داده، پیش ببرد.

خدا در مسیح بود و از طریق مسیح برنامه‌هایش را دنبال می‌کرد. از مسیح وارد کلیسا شده، کارش را از طریق کلیسا دنبال کرده و پیش می‌برد.

۲۰ حال، می‌دانیم روح‌القدس چیست. شب گذشته دریافتیم که او خداست.

باری، وقتی به خدا، پدر می‌اندیشیم چنانکه عیسی در اینجا گفت، پدر اوست. خدا، پسر، در عیسی مسیح. خدا، روح‌القدس، چنانکه آن را امروز می‌خوانیم... حال، این امر به این معنی نیست که سه خدای جداگانه و متمایز وجود دارد. معنی‌اش این است که یک خدا در سه جایگاه و منصب وجود دارد.

خدا هستی خویش را سراسر در مسیح ریخت، زیرا خویشتن را خالی و در مسیح افاضه فرمود. «و در مسیح از جهت جسم، تمامی پری الوهیت ساکن بود.» جوهره‌ی یهوه را سراسر در مسیح ریخت.

و هرآنچه که مسیح بود، او آن را در کلیسا افاضه کرد، نه در یک فرد بلکه در سراسر و کل بدن. آنجا جایی است که وقتی گرد هم آمده و با یکدیگر متحد می‌شویم آن قوت اعظم را داریم. هرآنچه خدا بود، در مسیح بود و هرآنچه مسیح بود در شماست.

«زیرا خدا در جسم ظاهر شد و در میان ما ساکن شد.» اگر دارید یادداشت می‌کنید، این نکته در اول تیموتاؤس ۳: ۱۶ آمده است: «و بالا جماع سر دینداری عظیم است زیرا خدا در جسم ظاهر شد و او را لمس کردیم. خدا، یهوه جسم شد و بر روی زمین گام برداشت و او را با چشمان خود دیدیم.»

۲۱ می‌دانید در همان باب یعنی یوحنا ۱۴ است که فیلیپس گفت: «ای آقا پدر را به ما نشان ده که ما را کافی است.»

۲۲ عیسی گفت: «ای فیلیپس در این مدت با شما بوده‌ام آیا مرا نشناخته‌ای؟ کسی که مرا دید پدر را دیده است. پس چگونه تو می‌گویی پدر را به ما نشان ده؟» خدا جسم شده بود.

۲۳ حال همین است. می‌گوییم پدر خدا بود بالا و فوق از شما. از زمان آدم چنین بوده است. خدای پدر، در یک ستون آتشین، فوق از موسی و فرزندان اسرائیل بود. سپس خدا با ما، در مسیح، با ما گام برداشت، با ما سخن گفت. همراه ما غذا خورد، همراه ما خوابید. خدا فوق از ما، خدا با ما و اینک خدا در ما. جوهره‌ی خدا سراسر در مسیح وارد شد و به همین ترتیب جوهره‌ی مسیح سراسر در کلیسا.

این چیست و به چه معناست؟ خدا دارد در شما کار می‌کند. هر جای دنیا که بخواهد شما را به کاری بخواند و سراغتان بیاید، شما درست همان‌جا هستید، او در شما کار می‌کند تا اراده‌ی نیکوی وی را اجرا کنید. چقدر باید از این بابت شکرگزار پروردگار باشیم! خدا، روح‌القدس برای این هدف فرستاده می‌شود که در کلیسای خود زندگی نموده، حرکت خود را در هر عصر پیش برده و اراده‌ی الهی خویش را اجرایی کند.

۲۴ آن‌گاه که کسی شما را مسخره کند، آنها که چنین کنند شما را مسخره نمی‌کنند، آنها او یعنی فرستنده‌ی شما را مسخره می‌کنند. عیسی چنین فرمود: «خوشابحال شما چون مردمان به خاطر من هر سخن بدی بر شما کاذبانه گویند. خوشابحال شما.» و همچنین آمده است که: «همه‌ی کسانی که می‌خواهند در مسیح عیسی به دینداری زیست کنند زحمت خواهند کشید.»

زیرا وقتی خدا خود را در مسیح شناسانید، مورد نفرت آنها واقع شد. نفرت که از او شدیدتر بود؟ کلیسا. کلیسا به سخت‌ترین شکل از او متنفر بود. از او بیشتر و سخت‌تر از می‌خوارگان متنفر بودند. او را بیشتر و سخت‌تر از سایر مردمان منفور می‌داشتند. کلیسا از او نفرت داشت. پس در نتیجه وقتی واژه‌ی کازموس را می‌بینید: «نظام جهانی، جهان او را نشناخت» یعنی اینکه آنچه به اصطلاح «کلیسا» محسوب می‌شد «او را نشناخت. نزد خاصان خود آمد و خاصانش او را نپذیرفتند.»

«و اما به آن کسانی که او را قبول کردند قدرت داد تا فرزندان خدا گردند یعنی به هر که به اسم او ایمان آورد.» چه بسیار باید دوستدار او باشیم و او را بپرستیم! هدف غایی خدا داشتن مشارکت بود!

۲۵ نظیر... پیش از اینکه از این موضوع خارج شویم، اجازه دهید از این استفاده کنیم. در ایام روت بر حسب قانون باز خرید... آن‌گاه که نعومی کشور را به دلیل گرفتاری و سختی‌های روزگار ترک کرد. به بلاد موآبیان رفت و آنها صرفاً مسیحیانی فاطر و صوری بودند. چون نسب موآبیان به دختر لوط می‌رسد و آنها ایماندارنما و درهم‌آمیخته و مختلط بودند. و سپس شوهرش فوت کرد، دو پسرش هم مُردند. و نعومی در راه

بازگشت به خانه... روت و نعومی در راه بازگشت به خانه... یکی از عروس‌هایش به نام عرفه گفت که به کشور خود و نزد خدایان خود یا کلیسای خود و مردم خویش برخواهد گشت. و نعومی سعی کرد روت را به بازگشت سوق دهد ولی او گفت: «قوم تو قوم من و خدای تو خدای من خواهد بود. جایی که بمیری، می‌میرم و در آنجا دفن خواهم شد. و باز نخواهم گشت.»

۲۶ این آن موعده است که شخصی یک رؤیا را دریافته و گرفته باشد. فرقی نداشت و مهم نبود مردمش چه گفتند: «آنجا می‌روی تا به یک غلتنده‌ی مقدس یا چنین چیزی بدل شوی.» این موضوع برای روت کمترین اهمیتی نداشت. خدا طرح و هدفی داشت که باید محقق می‌شد.

۲۷ و درست با همان میزان اطمینان که امشب شما گرسنه‌ی [دریافت] روح‌القدس هستید، چیزی در درون شماست که کشش ایجاد کرده و شما را می‌کشاند، اینکه خدا طرح و هدفی در زندگی شما دارد که باید محقق شود، درست نظیر آنچه بر روت رفت.

۲۸ ماجرای بسیار زیبایی است! نمی‌توانم لحظه‌ای رهایش کنم. شما از قانون باز خرید خبر دارید، آن‌گاه که بوعز... این حکایت که روت چطور در کشتزار خوشه‌چینی می‌کرد و نزد بوعز التفات یافت را می‌دانید. و پیش از آنکه [بوعز] بتواند با او ازدواج کند باید کل آنچه نعومی از دست داده بود را باز خرید می‌کرد. و طبق قانون باز خرید، تنها کسی که می‌توانست املاک از دست رفته‌ی نعومی را باز خرید کند یک ولیّ و خویشاوند نزدیک بود. حتماً باید یک ولیّ نزدیک می‌بود تا امکان انفکاک و آزادسازی [املاک] را داشته باشد. و این نزدیک‌ترین خویشاوند صاحب ولایتش بود. و باید بیرون از دروازه یک اطلاعیه‌ی عمومی می‌داد یا به صورت عمومی اذعان می‌نمود که هر آنچه نعومی از دست داده را انفکاک کرده است. و بوعز این کار را با بیرون آوردن کفش‌هایش در حضور مشایخ انجام داد و گفت: «اگر در اینجا کسی هست که چیزی از مایملک نعومی را در اختیار دارد، من امروز آن را آزاد ساخته و انفکاک کرده‌ام.»

۲۹ و خدا در عمل مقید به شرایع و قوانین خویش است. خدا نمی‌تواند شرع و قانونی به شما بدهد تا از آن پیروی کنید و خودش در عمل قانون و شرع دیگری به اجرا درآورد. او مقید و مجری شرایع و قوانین خود است. بنابراین خدا برای آزادسازی کلیسای از دست رفته، جهان از دست رفته، آفرینش از دست رفته [عمل کرد] خدا که در ساحت روح لایتناهی است جهت آزادسازی و باز خرید نسل از دست‌رفته‌ی بشر بدل به خویشاوند شد یعنی یک انسان، یک پسر که در رحم مریم پدید آورد. و سپس بیرون از دروازه‌های اورشلیم یک اطلاعیه عمومی یا یک شهادت داد. او میان آسمان‌ها و زمین [روی صلیب] برافراشته شد و جان داد و همه چیز را آزاد ساخته و انفکاک کرد. و او به خون ریخته‌شده‌اش کلیسا را تقدیس کرد تا بتواند در آن زیست کرده، حضوری زنده داشته باشد و با آن مشارکت و گفتگو داشته باشد یعنی [احیای] آن نقطه و گاه از دست‌رفته‌ی مشارکت که از باغ عدن [برقرار شده] بود، جایی که خدا هر عصرگاه، در وقت و زمانی که به کلیسا اختصاص داشت، فرود می‌آمد.

دقت کرده بودید؟ خدا در خنکی روز هنگام افول خورشید فرود می‌آمد. در همین بازه از زمان یعنی آغاز فرارسیدن شب مردم به کلیسا و خدا می‌انديشند، منظور مسیحیان هستند. به آفتاب غروب‌کننده می‌نگرید و درمی‌یابید که آفتاب شما رو به افول است.

۳۰ آری، در خنکای شامگاه پایین می‌آمد تا با آنها گفتگو داشته باشد. و همان‌جاست که خدا آن مشارکت را از دست داد چرا که گناه به او اجازه نمی‌داد تا آن را حفظ کند.

و سپس جسم شد و در میان ما ساکن شد تا بتواند مجدداً به میان آدم و آدمی بازگردد و در آدمیان زندگی کند و آدم و آدمی را بار دیگر به وضعیت برقراری مشارکت و گفتگو با او بازگرداند و حق خدادادی‌اش را به او اعاده نماید. این کاری است که او کرد.

۳۱ این برنامه و هدف روح‌القدس است. این پدر است که دوباره... خدای پدر است که در شما سکونت می‌گزیند و برنامه‌هایش را پیاده و عملی می‌کند تا نقشه‌ی نجات و آزادسازی‌اش را به اتمام برساند. او از طریق شما عمل می‌کند و شما را همکار خود می‌کند و جایگاهی به شما می‌بخشد و نقش و مسئولیتی برای برادر و خواهر سقوط کرده و از دست رفته‌تان به شما واگذار می‌کند. او روح و محبت خویش را به شما می‌بخشد تا رفته و گمشده‌ها و از دست‌رفته‌ها را بجوید، چنانکه خود او در باغ عدن کرد. «ای آدم کجا هستی؟» این همان کاری است که روح‌القدس با یک مرد یا زن می‌کند. آن‌گاه که با کوبندگی وارد دل‌هایشان شده و مستقر می‌شود، گرسنگی و تشنگی‌ای برای جان‌های نجات‌نیافته به وجود می‌آید.

مشکل جلسات امروز همین است. لمس روح‌القدس به کفایت در آنها نیست تا جان‌های نجات‌نیافته و مردمان رو به موت را بجویند. بیشتر به دست و پا کردن یک نام یا یک کلیسا یا یک ساختمان یا یک فرقه می‌خورد تا برنامه‌ای برای صید جان‌ها. چه اسفبار! می‌توانستیم بیش از این روی این بحث توقف کنیم.

خدا خویش را در مسیح افاضه کرد. صحیح است.

۳۲ مسیح خود را در کلیسا ریخته، افاضه کرد. پس حال خوب دقت کنید: «و در آن روز روز شما خواهید دانست که من در پدر هستم و شما در من و من در شما. در آن روز این را خواهید دانست.» زیرا کل ماجرا یک نقشه‌ی نجات است که به پایین رسیده و در حال اجراست، اینکه خدا باز می‌گردد تا در قوم خود زندگی نموده، در جوار آنها ساکن گردیده و با آنها مشارکت و گفتگو نماید، به همان سان که در آغاز کرد.

حال، با این حساب، به محض اینکه کلیسای خود را به شرایط گفتگو و سخن گفتن برساند، وقتی کلیسای خود را به نقطه و جایگاهی برساند که بتواند از طریق آن، جریان برآمده از وجود خویش را صادر کند و محبت بورزد و قانع فرماید و مشارکت نماید، آن‌گاه یک عدن پدید خواهد آمد. او کلیسای خود را به همان‌جا که او را ترک کرده بود باز خواهد گرداند، بازگشتی مجدد به عدن، همان‌جا که فروافتاده و هبوط کرده بود. اکنون... اینجا همان‌جاست که نخستین آغاز یا نخستین سقوطش به وقوع پیوست. یگراست به همان‌جا بازگردانده خواهد شد، همراه با تک‌تک آن الواح پاک که

محصول عمل بازخرید و نجات است، آنها را بار دیگر بکراست به آن نقطه و جایگاه بازخواهد گرداند.

۳۳ از حضور کلیسا در جهان مدت زمانی گذشته است. و کلیسا حقیقتاً پس از اصلاح هزار و پانصد سال ادوار ظلمانی... لوتر نخستین اصلاحگری بود که پس از دوره‌ی رسولان وارد صحنه شد. و سپس آن‌گاه که لوتر آمد، خدا اندکی از آن روح الهی را بر کلیسا ریخت، در سطح عادل شمردگی. و سپس در ایام وسلی کمی بیشتر از وجودش را ریخت، در سطح تقدیس. و با جلو رفتن زمان و نزدیک شدن به زمان آخر خدا مشغول پر کردن کلیسای خود بوده است. کافیت نگاهی به اطراف بیندازید تا دریابید که آیا چنین است یا نه.

۳۴ به دوران لوتر بنگرید، شما که تاریخ را مطالعه می‌کنید، به بیداری آنها و کاری که کردند بنگرید. بنگرید به اینکه بیداری وسلی تا چه اندازه بزرگتر بود و قدرتی که داشتند چقدر بیشتر بود، با این حال در موضع اقلیت [بودند]. به روزهای جنبش پنطیکاست بنگرید، عجب بیداری را تجربه کردند، چقدر پر عظمت و دربرگیرنده چه گستره‌ی وسیعی.

۳۵ همچنین یک نشریه‌ی کاتولیک به نام اور ساندی ویزیتور اقرار کرد که پنطیکاستی‌ها در طول یک سال یک میلیون و پانصد هزار ایمان‌آورنده و نوایمان را به ثمر نشانده‌اند که بیشتر از جمع کل سایر کلیساهاست. کاتولیک‌ها آن‌گونه که ادعا می‌کنند، فقط موفق به تغییر و جذب یک میلیون نفر شدند. در همان ساندی ویزیتور یعنی روزنامه‌ای که ساندی ویزیتور نام دارد اظهار شده که پنطیکاستی‌ها [در رشد] از آنها پیشی گرفته‌اند.

و این را به خاطر داشته باشید که پذیرش ایمان‌های پنطیکاستی، پذیرش ایمان‌هایی توأم با پری روح‌القدس است. در اقلیت در گوشه‌ی کوچه و خیابان با یک گیتار کهنه آغاز شد. و خانم‌ها حتی توان تهیه‌ی یک جفت جوراب را هم نداشتند. دور و بر راه‌آهن و جاده‌های ریلی بودند و ذرت برمی‌داشتند و آن را می‌کوبیدند و برای بچه‌های خود نان می‌پختند. ولی به کجا رسید؟ قدرتمندترین کلیسایی است که امروز برپا و ایستاده است، نه در انظار جهانیان بلکه در نگاه پروردگار زیرا او این امر را به واسطه‌ی کارهایی که برای آنها می‌کند اثبات نموده است. او خود را بر آنها می‌ریزد، آن امر الهی را افاضه می‌کند.

۳۶ اینک توجه فرمایید که چه اتفاقی رخ داده است، خدا خود را در آنها می‌ریزد. روند بیداری از لوتر، وسلی به پنطیکاست رسید و حال در عصری که اکنون واردش می‌شویم کلیسا به نقطه‌ای رسیده که از طریق همان روح‌القدس، سهمی بیشتر و بزرگتر از آن امر الهی [را داراست]. حال وقتی آن لوتری‌ها در گذشته نجات می‌یافتند، سهمی از روح‌القدس را دریافت می‌کردند. وقتی متدیست‌ها تقدیس می‌شدند، این امر نتیجه‌ی عمل روح‌القدس بود. چنانکه می‌بینید، این قسمت و تکه‌ای از روح‌القدس بود. نگاشته‌ها می‌گویند: «آنها بدون ما کامل نشوند.» توجه دارید؟

۳۷ حال، از آنجا که روشنایی و نور در روزهای واپسین شروع به تابیدن کرد، خدا از ما توقع یک چیز و یک کار بزرگ را دارد. چرا که «به هر کسی که عطا زیاده شود، از وی مطالبه زیادتر گردد.» بنابراین او از ما بیش از لوتری‌ها و متدیست‌ها مطالبه خواهد کرد زیرا در نوری عظیم‌تر، با قوتی بیشتر گام برداشته و سلوک می‌کنیم... با شهادتی بزرگتر از آنچه آنها داشتند. اینک شهادتی که ما از قیام و رستاخیز داریم با عظمت‌تر است. چیزهایی که داریم محکم‌تر و مسلم‌تر از چیزهایی است که آنها داشتند.

۳۸ ولی این درست نظیر چیزی است که چندی پیش در یک کالج متدیستی گفتم.

گفتند: «آنچه یافتیم و داریم چیست؟»

گفتم: «مردی در کشتزاری ذرت کاشت. نخستین جوانه‌ها که سبز شدند گفت: «خدا را شکر به خاطر این محصول و ذرتی که حاصل شده است!» در حالت بالقوه آن را داشت ولی چیزی که داشت تنها صورت اولیه‌ی آن بود. اندک اندک به یک ساقه بدل شد.»

و روی آن گل‌آذین سرآورد که متدیست‌ها بودند.

۳۹ اگر بر طبیعت دقیق شوید، خدا را در حال عمل مشاهده خواهید کرد. در آنجا رازی است که حتی همراستا با خدمت‌م پیش می‌رود. توجه دارید؟ با نگریستن به طبیعت و مشاهده‌ی اینکه به چه سان عمل می‌کند، و اینکه کدام عصر و برهه از زمان است، قادرید جا و نقطه‌ای که در آن زندگی می‌کنید را ببینید [و تشخیص دهید]. بر عصر و دوران دقیق شوید.

۴۰ حال با این حساب، متدیست‌ها در حکم گل‌آذین بودند. آنها رو به عقب و به لوتری‌ها نگاهی انداخته و گفتند: «ما تقدیس را داریم، شما هیچ بهره‌ای از آن ندارید.» در گذر زمان از آن گرده، از میان متدیست‌ها، دانه‌ای... یک سنبله‌ی ذرت پدیدار شد. این [جنبش] پنطیکاست بود.

خودش است، عادل‌شمردگی یک مرحله از آن امر الهی بود. تقدیس، مرحله‌ای دیگر از آن. روح‌القدس مرحله‌ای دیگر از آن امر الهی محسوب می‌شود یعنی پنطیکاست. لوتر، ولسی، [جنبش] پنطیکاست.

۴۱ باری، پنطیکاست چه می‌کند؟ دلیل برای چنین تشبیهی این است که در جریان پنطیکاست شاهد بازگشت نه یک برگ سبز، نه یک گل‌آذین بلکه...

ذرت نمی‌تواند به گل‌آذین بگوید که: «به کارم نمی‌آیی.» یا گل‌آذین نمی‌تواند به برگ بگوید: «کاربردی برایم نداری.» زیرا همان حیات که در برگ بود گل‌آذین را ساخت. همان حیات که در گل‌آذین بود سنبله را ساخت.

و یک کلیسای لوتری بود که کلیسای ولسی را پدید آورد. و به واسطه‌ی کلیسای ولسی بود که [جنبش] پنطیکاست شکل گرفت.

ولی پنطیکاست چیست؟ بازگشت و ظهور مجدد همان نوع بذر و دانه‌ای که در آغاز وارد خاک شد، چیزی که تمامی پری‌قوت [نمایان شده در] روز پنطیکاست را

بازمی‌گرداند، توجه دارید یعنی از طریق تعمید روح‌القدس و در روزهای واپسین. این چیزی است که نگرستن به آن باشکوه است، ایمان داشتن و نگرستن به آن.

۴۲ باری عصر کنونی که در آن روزگار می‌گذرانیم یعنی همین عصر و دوران، فراتر از پنطیکاست است.

پنطیکاست خود را در زمین تشکّل‌ها مستقر کرد و در امور بسیاری شروع به تقلید و کپی‌برداری از سازمان‌ها و تشکّل‌های فرقه‌ای کرد: «ما این هستیم و ما آن هستیم.» این طبیعت و ذات است. کاری از دستتان ساخته نیست. طبیعت است. آنها چنان خواهند کرد. برنامه این است که آنها چنان کنند.

ولی کلیسا به حرکت پیشرونده‌ی خود ادامه داد. وارد مرحله‌ای بزرگتر و قدرتمندتر شده است. سخن از بیداری و ظهور مجدد عطاپاست.

و بسیاری از پنطیکاستی‌ها به شفای الهی، خدمت فرشته‌ها و قوآت پروردگار اعتقاد ندارند. بسیاری از پنطیکاستی‌ها رؤیاهایی که می‌بینم را از «ابلیس» می‌خوانند. بسیاری از تشکّل‌ها که بخشی از جنبش پنطیکاست هستند حتی نمی‌خواهند کاری با آن امر الهی داشته باشند. چنانکه می‌بینید ما از آن عبور کرده، فراتر رفته‌ایم. درست همان‌طور که متدیست‌ها پنطیکاستی‌ها را به دلیل سخن گفتن به زبان‌ها «مجنون» خواندند. درست به همان شکل که لوتری‌ها متدیست‌ها را به سبب فریاد برآوردن «دیوانه» خواندند. ملاحظه می‌کنید؟

ولی همه‌ی اینها به آمدن روح‌القدس او حرکت پیشرونده‌اش مربوط است تا جایی که کلیسای بزرگ پر شود و به آن سطح از پری و سرشاری تمام عیار برسد، هلولیا [برادر برانهام دوبار بر روی تریبون می‌کوبد-گروه تألیف]. یعنی [سرشار از] از قوآت پروردگار قادر مطلق. تا جایی که به آن نقطه رسیده که... تا جایی که عین همان اعمالی که عیسی به جا آورد هم اینک درست در کلیسا در حال نمایان شدن است. دوستان، ما نزدیک هستیم.

۴۳ بگذارید یک دقیقه همین‌جا مکث کنم تا دریافت شود که خدا برای چه روح‌القدس را در کلیسا قرار داد، مثالی دیگر برای شما می‌آورم تا خوب درک کنید. در گذشته، در عهد عتیق وقتی یک بچه...

چنین بود که یک مرد خانه‌ای برای خود می‌ساخت. عروس خود را می‌آورد و این اتفاق نخست بود.

سپس او شخص بزرگی می‌شد مثل یک تشکّل. این چیز خوبی بود.

اتفاق بعدی وقوع تولد در آن خانه است. این همان زمانی است که روح‌القدس... یک روح دیگر که یک پسر بود، وارد شده است. این پسر مسئولیت کامل نداشت و تا وقتی به سن معینی نمی‌رسید وارث نبود. و ابتدا باید اثبات و آزموده می‌شد. بله.

و بعد اینکه آنها قانون فرزندخواندگی را داشتند. شما خادم‌ها، چنانکه می‌بینید، اکنون راجع به مفهوم «گذاشتن یک پسر» و پسرخواندگی سخن می‌گوییم، زمانی که

به جایگاه فرزندخواندگی می‌رسید. عیسی در کوه تبدیل هیئت به زیبایی این امر را به تصویر کشید.

۴۴ چنانکه گفتم، خدا هیچ‌گاه برای انجام کاری از محدوده‌ی قوانین خود خارج نخواهد شد.

اگر چنین باشد که در این تپه یک چاه آرتزین داشته باشید که آب را با جهش به سوی هوا روانه می‌کند. و در آن تپه که آنجاست، محصولی دارید که در حال از بین رفتن است. چنانچه روی این تپه ایستاده و بانگ برآورده و بگویید: «ای آب بدو و خودت را به اینجا برسان و این زمین و محصولم را پر کن! ای آب به سمت محصولم برو!» هرگز چنین نخواهد شد. ولی اگر طبق قوانین گرانس عمل کنید، می‌توانید آن محصول را آبیاری کنید.

۴۵ در اینجا مرد بیماری را دارید که دراز کشیده است، یا یک شخص گناهکار که اینجا افتاده است، یا آقایی که دلش می‌خواهد درست شود ولی نمی‌تواند از نوشیدن دست بردارد، نمی‌تواند سیگار کشیدن را ترک کند، نمی‌تواند از شهوت و این قبیل امور دست بکشد. فقط طبق قوانین خدا عمل کنید، بگذارید روح‌القدس به آنجا وارد شود و او دیگر از آن خود نخواهد بود. او از این روش زندگی خود دست خواهد کشید زیرا روح‌القدس او را تسخیر می‌کند. ولی لازم است طبق قوانین و قواعد خدا عمل کنید.

۴۶ باری، در عهد عتیق وقتی کودکی متولد می‌شد، نگاه می‌کردند تا ببینند او چگونه رفتار می‌کند. رفتار.

به این ترتیب پدرش که دیگر یک تاجر حسابی شده بود و چه بسا ده‌هی چهل یا پنجاه زندگی‌اش را سپری می‌کرد، فرصت نمی‌کرد خودش بچه را تربیت کند، بنابراین باید... در روزگار آنها مدارس عمومی که امروزه رواج دارد، وجود نداشت و در نتیجه کسی را داشتند که او را «مربی» یا «تربیت‌کننده» می‌خواندند یعنی معلم مکتب. و این مدرس مکتب بهترین شخصی بود که پدر می‌توانست بر رویش حساب کند تا در نهایت صراحت و راستگویی حقیقت مطلب را به پدر بگوید.

۴۷ و بعد هم این پسر به سنی معین می‌رسید به سخنی بالغ می‌شد. اگر این پسر باغی و نافرمان بود و خوب و صالح نبود و به تجارت پدرش اهمیت نمی‌داد و تمام مشغله فکری‌اش گرم گرفتن و چرخیدن با خانم‌ها یا نوشیدن، قمار، یا مسابقه اسب‌سواری بود، آن پسر همواره یک فرزند محسوب می‌شد ولی هرگز در موقعیتی که بتواند کل دارایی پدرش را به ارث ببرد قرار نمی‌گرفت.

ولی اگر پسر خوبی بود و پیگیر کسب و کار پدرش بود و ثابت می‌کرد که فرزندی درست و صالح است آن‌گاه یک مراسم برگزار می‌کردند. پسر را بیرون و به خیابان می‌بردند و ردایی سفید بر تنش می‌کردند و او را بالای یک سکوی بلند قرار می‌دادند تا تمام شهر شاهد باشد. یک ضیافت و جشن برگزار می‌کردند و آنجا پدر مراسم به فرزندی قبول کردن را انجام می‌داد. او پسر خود را در کسب و کار خود قبول می‌کرد

و سپس پسر با پدر خود برابر می‌شد. به زبان امروزی امضای پسر پای چک به اندازه امضای پدر اعتبار داشت.

۴۸ حال به کاری که خدا کرد بنگرید. وقتی پسرش به دنیا آمد، اجازه داد روندی سی ساله را طی کند، او را می‌آزماید و امتحان می‌کند. در ادامه یک آزمون سخت سه ساله را برایش در نظر می‌گیرد. و آن‌گاه در پایان آزمون سخت وقتی دید که پسرش پیگیر کسب و کار پدرش است، در کوه تبدیل هیئت، چنانکه در کتاب لوقا آمده است، پطرس، یعقوب و یوحنا که سه شاهد بودند را برداشت و به بالای کوه رفت و آنجاست که خدا قوانین مربوط به رسم فرزندخواندگی را اجرا کرد. او... آنها به بالا نگاه کردند و عیسی را دیدند که لباس‌هایش سفید و درخشان شد. و ابری بر ایشان سایه افکند و صدایی از ابر برآمد که: «این است پسر حبیب من، او را بشنوید. اینک من می‌نشینم و بیش از این چیزی نمی‌گویم. هرچه او بگوید در حکم حقیقت و قانون است.»

۴۹ حال کلیسا از میان آن مکتب‌خانه‌ها آمده است. او در گذشته و دیرزمانی است که در آن سو وصلت کرد و بدل به یک فرقه و تشکل شده است. ولی توجه دارید که تولد اصلی چیز دیگری را به بار آورده است. و اکنون به جایگاهی رسیده که در آنجا کلیسای پنطیکاست، با تولد دوباره، آزموده و امتحان شد و اینک به جایگاهی رسیده است... خدا با کلیسا به عنوان یک تشکل و سازمان صرف مواجه نمی‌شود. او با کلیسا به عنوان یک گروه از افراد وارد تعامل نمی‌شود.

او با کلیسا در سطح افراد یعنی هر یک از افراد درون کلیسا وارد تعامل می‌شود. و اینک زمان آن رسیده... و این موضوع یک راز نیست و همگی ما شاهد آنیم. وقتی یک انسان خود را ثابت می‌کند و خدا او را دوست بدارد، خدا او را به نزد خود فرامی‌خواند و می‌آورد. در آنجا در برابر فرشتگان کاری برایش انجام می‌دهد. او را در آنجا و در حضور پروردگار برمی‌افزاید و عطایا به او می‌دهد و او را پر می‌سازد و اعزامش می‌کند. و این همان عصری است که در آن روزگار می‌گذرانیم.

۵۰ همان روح‌القدس که لوتری‌ها را نجات داد و متدیست‌ها را تقدیس کرد و پنطیکاستی‌ها را تعمیر داد، اکنون در حال آماده‌سازی شرایط به منظور بازگشت خداوند عیسی است. آن‌گاه آن بدن بسی قدرتمند خواهد بود، او وارد این گروه یعنی کلیسا خواهد شد و باقی آنها را از گور بیرون خواهد کشید. رستاخیز و قیامتی به وقوع خواهد پیوست. روح‌القدس برای همین است. روح‌القدس چیست؟ «آنها بدون ما کامل نخواهند شد.» آنها در یک روز و روزگار تحت آن شرایط زندگی کردند. و ما در روز و روزگاری دیگر زندگی می‌کنیم.

«وقتی دشمن چون سیلاب بیاید... روح خدا عَلمی بر علیه او برخواهد افراشت.»
توجه دارید؟ اینک در روز و روزگاری هستیم...

۵۱ در روزگارهای رفته، آنها نیمی از هوشمندی امروز را نداشتند. نمی‌توانستند بمب اتم یا خودرو بسازند. به علم و دانش و اموری از این قبیل در شکل کنونی دسترسی

نداشتند و همچنین به چیزهای مربوط به آن پدیده‌های اسرارآمیز، تا سعی کنند بگویند که انسان از برخورد و پیوند نوعی خاک و نظایر آن سربرآورده و بعد دست به تجزیه و تحلیل‌هایی بزنند تا در صدد اثبات این موضوع برآیند تا از مردم عده‌ای بی‌ایمان بسازند.

ولی اکنون وقتی نیازمند آن امر الهی باشیم روح خدا عَلمی برمی‌افزاید. این چیست و به چه معناست؟ او دارد روح خویش را اضافه کرده و می‌ریزد. به این ترتیب آنها که به راحت و آرامی آن سو رسیده‌اند و در آرامگاه آرمیده‌اند یا زیر مذبح پروردگازند، به گفته‌ی نگاشته‌ها بانگ برآورده می‌گویند: «خداوندا تا به کی؟ تا به کی؟ چقدر دیگر طول خواهد کشید؟» خدا منتظر من و شماست. کلیسا انتظار من و شما را می‌کشد. موعد فرزندخواندگی، آن‌گاه که خدا می‌تواند پری و قوت و قیام خود را درون ما بریزد تا آنجا و آن موعد که کلیسا و مسیح چنان به یکدیگر نزدیک شوند که مسیح در میان ما دیدنی و رؤیت‌پذیر شده باشد و مردگان را زنده کند و وارد روند ربوده شدن شویم.

۵۲ حال خواهیم گفت و کمی بعد نشان خواهیم داد که فقط آنها که از روح القدس پر شده باشند وارد روند ربوده شدن خواهند شد. «و سایر مردگان زنده نشدند تا هزار سال به اتمام رسید.» درست است. فقط مردمان پر از روح القدس در جریان ربوده شدن رفتند. باری، خدا روح القدس را داده است...

۵۳ در اینجا نگاشته‌ای دیگر دارم یعنی یوحنا ۱۴:۱۲. این نگاشته برای جماعت این خیمه و اینجا خیلی آشناست.

آمین آمین به شما می‌گویم هر که به من ایمان آرد...

حال، نگذارید این عبارت «ایمان آرد» به نوعی شما را متوقف کند. هر جا که ظاهر و نام کلیسا را دارد می‌گویند: «آری، ایمان دارم، البته که ایمان دارم که عیسی مسیح پسر خداست.» شیطان هم به این موضوع ایمان دارد. دقیقاً این‌طور است. کتاب مقدس گفت که دارد.

ولی در نگاشته‌های مقدس و در یوحنا آمده که: «احدی جز به روح القدس عیسی را مسیح نمی‌تواند گفت.» به واقع شما از طریق نگاشته‌ی مقدس... پیش از آنکه قرائت آن نگاشته را به پایان برسانم، اجازه دهید همین‌جا دقیقه‌ای مکث کنم. تا وقتی روح القدس را نیابید بازگشت نکرده‌اید و ایمان تبدیل‌کننده ندارید [تبدیل نشده‌اید]. درست است.

۵۴ شما «به آن جهت» ایمان دارید. روح القدس با شما سخن گفته است و شما علناً و به طور عمومی وی را اعتراف کرده‌اید. شیطان هم عین همین را دارد. «ایمان دارم که او پسر خداست.» شیطان هم [به این امر] ایمان دارد. ولی شما به سوی او [مسیح] و در جهت او گام برمی‌دارید.

پطرس خوانده شده بود و با ایمان به خداوند عیسی مسیح، عادل شمرده شد. در یوحنا ۱۷:۱۷ عیسی ایشان را به واسطه‌ی کلام تقدیس کرد زیرا کلام راستی بود. و او

کلام بود. در یوحنا باب نخست چنین آمده است: «در ابتدا کلمه بود و کلمه نزد خدا بود و کلمه خدا بود. و کلمه جسم گردید و میان ما ساکن شد.» او کلام بود بنابراین او آنها را تقدیس کرد. گفت: «پدر» و این را به روحی که در وی بود می‌گوید «ایشان را از طریق کلام تقدیس می‌کنم.» یعنی خودش و این کار را با گذاشتن دست‌هایش بر روی آنها انجام داد. «کلام تو راستی است.» او را تنها با صدور کلامی در رَحِم یک زن به وجود آورد. با این توصیف، محال بود که [پروردگار] برای تجلی خویش، چیزی غیر از کلام الهی را تولید کرده باشد. «ایشان را تقدیس می‌کنم.»

۵۵ ایشان را بر ارواح پلید قدرت داد. و بیرون رفتند. نامشان را در دفتر حیات بره مکتوب کرد. آنها را اعزام کرد، در یوحنا... در متی باب ۱۰، و ایشان را بر ارواح پلید قدرت داد، [از جمله قدرت] اخراج ارواح شریر و به جا آوردن اعمال و نظایر آن. و آنها با خرمی برگشته و گفتند: «حتی شیاطین از ما اطاعت می‌کنند.»

گفت: «از این شادی مکنید که شیاطین از شما اطاعت می‌کنند بلکه بیشتر شاد باشید که نام‌های شما در دفتر مرقوم است.» و یهودا همراه آنها بود. ببینید او تا چه اندازه می‌تواند نزدیک شود [می‌تواند] یگراست تا عادل‌شمردگی ارتقا پیدا کند و در سیر حرکت خود یگراست تا تقدیس پیش برود. ولی او کجا نور خود را نشان داد؟ کجا خود را نشان می‌دهد؟ پیش از پنطیکاست رنگ و چهره‌ی واقعی خود را نشان داد.

۵۶ بنگرید، آن روح تا سر حد امکان متدین و مقدس‌مآب خواهد بود تا وقتی به آنجا برسد که پای روح‌القدس به میان می‌آید، درست همان‌جاست که از آن امر الهی خواهند برید و قطعش خواهند کرد. این همان روح است یعنی ضد‌مسیح (نمی‌توانید ببینید؟) که دارد صعود می‌کند. و عیسی گفت: «در روزهای واپسین آنها چنان مشابه یکدیگر خواهند بود که اگر ممکن بودی برگزیدگان را نیز گمراه کردندی.» ولی این را به یاد داشته باشید که فقط برگزیدگان قادر به رؤیت آن خواهند بود.

خدا از راه برگزیدگی دعوت کرده، فرامی‌خواند. خوشحال نیستید که یکی از آنها هستید؟ [جماعت می‌گوید: «آمین.» - گروه تألیف.] شما جماعت، آیا امشب دلیل حضورتان در اینجا این نیست که می‌دانید که در دلتان چیزی است که با لرزش و شوق می‌گوید: «خواهان آن روح‌القدسم. خداوندا خواهان حضورت در قلبم هستم؟» دلیل این امر آن است که خدا پیش از بنیاد عالم نام شما را دفتر حیات بره مرقوم کرده است. او چنین گفته است.

عیسی گفت: «کسی نمی‌تواند نزد من آید مگر آنکه پدری که مرا فرستاد ابتدا او را جذب کند. و به جمیع آنها که نزد من آیند حیات جاودان خواهم بخشید.» حیات جاودان چیست؟ روح‌القدس. «حیات جاودان» این واژه را بردارید و در زبان یونانی سراغش را بگیرید و به واژه‌ی زوئه می‌رسید. زوئه همان روح‌القدس است. «هرآنچه پدر به من عطا کند، به جانب من می‌آید و هرکه به جانب من آید روح‌القدس را به وی داده و او را در روز بازپسین برخواهم خیزانید. این کار را خواهم کرد.» این گفته‌ی اوست. هیچ اما و اگر دربارهِ آن امر الهی در کار نیست. «چنین خواهم کرد. به

هر که آید حیات جاودان خواهیم داد.» او باید برخیزاند زیرا صاحب حیات ابدی است. او باید بیاید. او نمی‌تواند بمیرد، درست مثل خدا که نمی‌تواند بمیرد.

۵۷ دوستان عزیزم، اهالی سراسر کشور و آنها که در این شهر کوچک هستید، اگر می‌توانستم با صدای انسانی‌ام اهمیت دریافت تعمید روح‌القدس را در دل‌های شما قرار دهم، این امر خارق‌العاده‌ترین مکاشفه‌ی زندگی شما خواهد بود. مشاهده‌ی این امر که... باید این کار را انجام دهید.

بگذارید در خصوص این سخن که «بازگشت نکرده‌اید» و ایمان تبدیل‌کننده ندارید مطلب را روشن کنم.

۵۸ پطرس نجات یافته بود. به خداوند ایمان داشت و پیرو او شد. عیسی به او گفت که او کیست و او را رهرو خویش ساخت. او را بر ارواح خبیث قوت داد و تقدیش کرد. با همه‌ی این احوال و با اینکه سخنگوی اصلی جمع شد یا آن‌گونه که کاتولیک‌ها دوست دارند بخوانندش «مقام اسقف کلیسا یا پاپ» یا هر چه بود را داشت یعنی مردی در جایگاه رهبری کلیسا، با این وجود عیسی در شب خیانت پطرس به او گفت: «مرا دوست می‌داری؟»

گفت: «خداوندا می‌دانی که تو را دوست می‌دارم.»

گفت: «گوسفندان مرا خوراک ده.» و این را سه بار گفت.

و پطرس گفت: «می‌دانی که تو را دوست می‌دارم و تا آخر خط همراهت خواهم آمد و تا پای مرگ با تو خواهم رفت.» و نظایر این.

۵۹ گفت: «پیش از آنکه خروس سه بار بانگ بزند تو... پیش از بانگ خروس سه بار مرا انکار خواهی کرد.» گفت: «ولی پطرس برایت دعا کردم.» گوش کنید. این تمام ماجرا نیست. «برایت دعا کردم. و هنگامی که تو بازگشت کنی [تبدیل شدی] آن‌گاه برادرانت را استوار نما.»

«هنگامی که تو بازگشت کنی.» او بانگ برآورده بود. احتمالاً در روح هم رقصیده بود. او انواع و اقسام کارها را کرده بود ولی هنوز روح‌القدس را نیافته بود. «هنگامی که تو بازگشت کنی آن‌گاه برادرانت را استوار نما.» درست است، «اجرا کردن نقشه‌ی او.»

۶۰ حال، اجازه دهید قرائت یوحنا ۱۴:۱۲ را تمام کنیم. حال، عیسی در باب ۱۴ و آیه‌ی ۱۲ گفت: «آمین آمین به شما می‌گویم هر که ایمان آرد...» شما نمی‌توانید ایمان داشته باشید... [«هر که» به من ایمان آرد...» شما می‌توانید به جهت او [در جهت رسیدن به او] ایمان آورید. همه‌ی آنها که این مسئله را می‌فهمند «آمین» بگویند. [جماعت می‌گوید: «آمین.» - گروه تألیف.]

۶۱ خاطرتان هست که در اعمال ۱۹... دوست ندارم مطلب را در اینجا قطع کنم ولی باید نکاتی که به ذهنم خطور کرده و به من می‌رسند را بازگو کنم. در اعمال باب ۱۹، آنجا که آن واعظ بابتیست که یک حقوقدان بود و تبدیل شده بود، موعظه می‌کرد و مردم را به ساحل نجات هدایت می‌کرد. و شادی آنها عظیم بود، وقتی جلسه داشتند به وجد آمده، فریاد سر می‌دادند. در اعمال ۱۸، اکیلا و پرسکله را داریم، عصر گذشته

به این مسئله اشاره کردیم. آنها رفتند تا او را ببینند. آنها می‌دانستند که او شخص بزرگی است، او یک محصل علم بود. او از طریق کتاب مقدس در حال اثبات این نکته بود که عیسی پسر خداست و تنها تعمیدی که می‌شناخت تعمید یحیی بود. او هنوز تعمید روح القدس را نمی‌شناخت. بنابراین گفت...

این زن و شوهر یعنی اکیلا و پرسکله، خیمه‌دوزانی بی‌ادعا بودند، درست مثل پولس که او هم خیمه‌دوز بود. و آنها تحت تعلیم پولس روح القدس را یافته بودند. آنها گفتند: «برادر عزیزی داریم که دارد به اینجا می‌آید. خوب است اندکی راجع به این موضوع با ما حرف بزنند.»

و وقتی پولس آمد و به موعظه‌اش گوش داد، فهمید که مرد بزرگی است و به او گفت: «آیا چون ایمان آوردی روح القدس را یافتی؟»

گفتند: «بلکه نشدیدیم که روح القدس هم هست.»

گفت: «با این حساب به چه،» یا آن‌گونه که در اصل یونانی آمده: «به چه شکل تعمید یافتید؟»

گفتند: «ما قبلاً به دست یحیی تعمیددهنده تعمید گرفتیم.»

۶۲ حال به آنچه پولس گفت دقت کنید، اینکه: «یحیی تعمید توبه می‌داد البته نه برای آموزش گناهان بلکه به جهت توبه و تائب شدن تا بگوید که این آن چیزی است که به آن ایمان داشتید.»

وقتی مسیح را در مقام منجی شخصی خود می‌پذیرید به جهت تعمید روح القدس ایمان می‌آورید. برادران باپتیست من اما این تعمید روح القدس نیست. این اشتباه است.

روزی برادری به من گفت: «برادر برانهام،» یا شاید مدتی قبل بود یعنی ماه‌ها پیش. گفت: «برادر برانهام، ابراهیم به خدا ایمان آورد و آن برایش عدالت محسوب شد.»

گفتم: «حقیقت دارد.»

گفت: «انسان جز ایمان داشتن چه کار بیشتری می‌تواند بکند؟»

۶۳ گفتم: «این تمام کاری است که انسان می‌تواند بکند. این تمام کاری است که امروز می‌تواند بکند یعنی اینکه به خدا ایمان داشته باشد. ولی خدا یک مهر که عمل ختنه باشد را به او [ابراهیم] داد.» و این را شب گذشته مرور کردیم، «به عنوان علامتی که او [خدا] ایمان ابراهیم را پذیرفته است.» و امروز تا زمانی که خدا...

وقتی او را در مقام منجی شخصی خود می‌پذیرید به جهت یافتن او ایمان می‌آورید. ولی وقتی خدا مهر روح القدس را به شما عطا می‌کند، با این کار شما را برای مقصد ابدیتان مختوم کرده است. حال شما باپتیست‌ها این را داشته باشید [و بپذیرید] و من هم در رابطه با [آموزه‌ی] امنیت ابدی با شما همراه خواهم شد. بله، آقا، زیرا [آمده است]: «روح قدوس خدا را که به او تا روز رستگاری مختوم شده‌اید محزون مسازید.» ایمانتان شما را مختوم نمی‌کند بلکه روح القدس است که شما را مختوم می‌کند. به روایت افسسیان ۴:۳۰: «روح قدوس خدا را که به او تا روز رستگاری

مختوم شده‌اید، محزون مسازید.» این است که شما را مختوم می‌کند آن گاه که نزد خدا التفات یافته باشید و او شما را به روح القدس مختوم نموده باشد.

چنین است زیرا به گفته‌ی کتاب مقدس: «احدی جز به روح القدس عیسی را مسیح نمی‌تواند گفت.»

۶۴ می‌گویید: «من به آن ایمان دارم چون شبان چنین گفته است.» حرفش حق است ولی این برای شما چیزی محسوب نمی‌شود. «ایمان دارم چون کلام چنین می‌گوید.» حقیقت است ولی این برای شما نیست، شما را محسوب نمی‌کند.

تنها راه برای اینکه بتوانید عیسی را مسیح بگویید این است که روح القدس وارد شما شده و گواهی دهد و از خویشتن شهادت دهد که: «او پسر خداست.» این تنها راه برای شناخت و درک قیام است یعنی وقتی روح القدس گواهی دهد. «وقتی روح القدس بیاید، او بر من شهادت خواهد داد و از امور آینده به شما خبر خواهد داد و آنچه گفتم را به یاد و خاطرتان خواهد آورد.» هیچ‌گاه آن را در مدرسه و مؤسسه آموزش عالی نخواهید یافت. توجه کردید؟ این امور را به یاد و خاطرتان خواهد آورد.

۶۵ حال قصد داریم اندکی جلوتر از متن این نگاهشته را قرائت کنیم، یوحنا ۱۴:۱۲.

آمین آمین به شما می‌گوییم هرکه به من ایمان آرد، کارهایی را که من می‌کنم او نیز خواهد کرد و بزرگتر...

گفتنی است که در اینجا ترجمه‌ی صحیح «بیشتر» است، در صورت تمایل نگاهی به آن بیندازید.

... بزرگتر از اینها نیز خواهد کرد زیرا که من نزد پدر می‌روم.

۶۶ در صورتی که نزد پدر می‌رفت، روح القدس هم می‌آمد. درست است؟ در نگاهشته‌ای دیگر آمده: «اگر نروم تسلی‌دهنده نزد شما نخواهد آمد. اما اگر بروم، بار دیگر خواهم آمد و با شما و بلکه در شما خواهم بود.» چنانکه می‌بینید، این خدا با شماست. ابتدا فوق از شما، در مسیح همراه شما، و در روح القدس در درون شما. این خدا در شماست.

۶۷ باری «کارهایی که من می‌کنم شما نیز خواهید کرد.» نه یک کار دیگر. خدا می‌خواهد روح القدس را در شما بریزد تا همان کاری که در مسیح انجام می‌داد را ادامه دهد.

در زمان لوتر کار خیلی پر مشقت نبود، این کلیسای خدا بود. چنین نبود که... در روزگار ولسی کمی پر مشقت‌تر شد.

زیرا به گفته‌ی کتاب مقدس دنیا «دچار ضعف و بی‌ثباتی بیشتر شده و پیوسته در دانش و شرارت ترقی خواهد نمود.» این‌طور نیست که ما... جهان پیوسته در شرارت ترقی می‌کند... این را می‌دانیم. چون که امروزه بشر دست به کارهایی می‌زند که صد سال پیش تصورش را نمی‌کردید که آدمی بتواند تا این حد سنگدل باشد. «شرارت دائماً بیشتر خواهد شد و شریران پیوسته شرارت خواهند ورزید.» کلام چنین می‌گوید «بیشتر و بیشتر.»

۶۸ به این ترتیب روح القدس در حال پیشروی و حرکت بوده است. تنها نسیمی از آن همراه با لوتر بود، وزشی ملایم از آن همراه وسلی بود و وزشی قوی‌تر از آن با اثرات عمیق‌تر همراه با پنطیکاست آمد، اینک نسیم و روح یک شده‌اند. او در حال یکی شدن و رسیدن به یکپارچگی است و همان وزش نیرومند روح القدس را به ارمغان می‌آورد که در گذشته به دست او شکل گرفته بود، همان کارهایی که او در گذشته کرد را به ظهور می‌رساند، امروز همان پدیده در حال ظهور و بروز است.

۶۹ به آنچه عیسی گفت دقت کنید: «آمین آمین به شما می‌گویم که پسر از خود هیچ نمی‌تواند کرد مگر آنچه ببیند که پدر به عمل آرد. زیرا که آنچه او می‌کند، همچنین پسر نیز می‌کند. پدر در من ساکن است، اوست که اعمال را به جا می‌آورد.» توجه دارید؟

۷۰ حال توجه کنید، مطلب دیگری در اینجا است که دوست دارم همین‌جا آن را بازگو کنم. عیسی گفت: «چنانکه.» «چنانکه پدر مرا فرستاد من نیز شما را می‌فرستم.» «چنانکه پدر...» پدر به چه شکل او را فرستاد؟ پدری که او را فرستاد از آسمان فرود آمد و در او ساکن شد.

او پیش رفت. گفت: «من همیشه کارهایی که پسندیده‌ی پدرم است را به جا می‌آورم.» توجه دارید؟ او راه افتاد و مشغول انجام کارهایی شد که پدر به او می‌نمایاند تا انجامشان دهد. «کاری جز آنچه پدر ابتدا به من نمایاند نمی‌کنم.» خدایی که او را فرستاد در درون او بود. «چنانکه پدر مرا فرستاد من نیز شما را می‌فرستم.» این چیست و به چه معناست؟ خدا در شماست و در حال انجام (چه چیز؟) همان کارهاست، همان.

عیسی گفت: «... آنکه ایمان داشته باشد، آنکه مرا در درون خویش داشته باشد یعنی روح القدس را. آنکه ایمان داشته باشد، او بر قیام من شهادت داده است و می‌داند که در او هستم. آنکه در من است... اگر در من بمانید، کلام من در شما می‌ماند.»

۷۱ باری، می‌گویید: «در عیسی می‌مانم ولی قطعاً به شفای الهی ایمان ندارم.» همین نشان می‌هد که او آنجا نیست.

۷۲ «به عیسی ایمان دارم [ولی] به حضور روح القدس در این روزگار باور ندارم، نه به آن کیفیت که گذشتگان آن را تجربه کردند.» این نشان‌دهنده‌ی این است که او در آنجا حضور ندارد.

۷۳ روح القدس از هر کلامی که به زبان آورد شهادت خواهد داد. او دروغگو نیست. او از هیچ کس یا تشکیلی هراس ندارد. مجبور نیست به خاطر کسی فتیله را پایین بکشد. او سخن می‌گوید و سپس پای آن می‌ماند.

آن مردمان بلندمرتبه، آلوده، دانش‌آموخته یا آن‌گونه که بعضاً توانگران زرسالار می‌خوانیم، چنانچه ایشان نخواهند آن امر الهی را ببابند، «خدا قادر است که از این سنگ‌ها فرزندان برای ابراهیم برانگیزاند.» او گنگسترها، قاچاقچی‌های مشروب و همه‌ی موارد دیگر را برگرفته و برخواهد انگیخت. خدا می‌تواند چنین کند و چنین می‌کند. «خدا قادر است که از این سنگ‌ها فرزندان برای ابراهیم برانگیزاند.» کسی کار را انجام خواهد داد زیرا او خداست.

۷۴ «اگر در من بمانید و کلام من در شما بماند، آنچه خواهید بطلبید.» زیرا شما کلام وی را می‌طلبید و کلام او حیات است. آن را بیان نموده، بر زبان جاری کنید. اگر آن سخن گفته‌ی خداست و اطمینان دارید که خدا آن را فرموده است، روح‌القدس بر درستی و حقانیت کلام شهادت می‌دهد در نتیجه برادر، شما جایی هستی که باید باشی. آن را بر زبان جاری کن، خودش است. «به این کوه بگو منتقل شو و در دل خود شک نداشته باش بلکه یقین دار که واقع خواهد شد.» [برادر برانهام سه بار دست می‌زند-گروه تألیف.] نه شما بلکه پدری که در شما ساکن است تکلم کرده است، اوست که سخن می‌گوید. این شما نیستید که با این کوه سخن می‌گویید، پدری که در شماست با آن کوه سخن می‌گوید. باید منتقل شود. گفت: «آسمان و زمین زایل خواهد شد ولی روح من... یا در واقع سخنان من زایل نخواهد شد.» یقیناً، نمی‌تواند زایل شود. پدر!

۷۵ حال «کارهایی که من می‌کنم.» خدا در کلیسایش حضور دارد تا کارهایی که کرد را ادامه دهد. برای همین منظور روح‌القدس را فرستاد. حال، او این را می‌دانست. می‌دانست که انجام آن به این صورت شدنی نبود بنابراین با بهره‌گیری از شیوه‌ای دیگر، او باید می‌فرستاد... پدر پسر را فرستاد و... هرآنچه در پسر است را در شما قرار داد. و کارهایی که او کرد، شما نیز خواهید کرد یعنی کلیسا، عین همان کارهایی که عیسی کرد.

آیا دوست ندارید کارهای خدا را انجام دهید؟ [جماعت می‌گوید: «آمین.»-گروه تألیف.] عیسی گفت: «اگر می‌خواهید اعمال پروردگار را به جا آورید به من ایمان آورید.» چگونه به او ایمان می‌آورید؟ این کار در توان شما نیست تا وقتی روح‌القدس را حاصل کنید.

۷۶ زیرا احدی نمی‌تواند او را پسر خدا بگوید. آنچه [بدون مکاشفه‌ی روح‌القدس] بگویید [تکرار] چیزی است که یک نفر دیگر گفته است. «کتاب مقدس گفت او پسر خداست، من به کتاب مقدس ایمان دارم.» بسیار خوب. «کتاب مقدس می‌گوید که او پسر خداست، به کتاب مقدس ایمان دارم. شبان می‌گوید او پسر خداست، حرف شبان را باور می‌کنم. مادر می‌گوید او پسر خداست، حرف مادر را باور می‌کنم. دوستم می‌گوید که او پسر خداست و دوستم را باور می‌کنم.

ولی تنها راهی که می‌توانم او را پسر خدا بگویم این است که روح‌القدس می‌آید و از خویشتن شهادت می‌دهد آن‌گاه می‌دانم که او پسر خداست [برادر برانهام چهار بار بر روی تریبون می‌زند-گروه تألیف.] «احدی جز به روح‌القدس نمی‌تواند عیسی را «مسیح» بگوید.»

۷۷ چه پر جلال! احدی را نمی‌توان یافت که تحت الهام روح خدا سخن بگوید و عیسی را ملعون خوانده باشد، یا اینکه اظهار دارد که او در آن روزگار یک چیز بود و امروزه چیز دیگر. این ادعا از او شخصی ضعیف و متزلزل می‌سازد. نه، آقا.

او دیروز، امروز و تا ابد همان است. هر روح راستین بر این امر شهادت خواهد داد. بسیار خوب.

۷۸ حال، او گفت: «کارهایی را که من می‌کنم، شما نیز خواهید کرد.» یوحنا ۱۴:۱۲، باری، همان کارها.

می‌گویند: «کلیسا امروز کارهای بزرگتر می‌کند.» به چه صورت؟

می‌گوید: «کارهایی که من می‌کنم.»

می‌گویند: «همان. خوب، ما در سراسر جهان میسیونر داریم، این کار بزرگتری است.»

۷۹ ولی او گفت: «کارهایی که من می‌کنم.» اکنون همان کارها را بکنید، نخست آنها را به جا آورید بعد حرف از میسیونرها بزنید.

۸۰ امروز، چندی پیش داشتم درباره‌ی یکی از پیروان آیین محمد صحبت می‌کردم، او گفت: «محمد رحلت کرده است.»

«درست است، او در مدفن خویش است ولی روزی برخواهد خاست.» گفت: «اگر او از قبر خود قیام کند ظرف بیست و چهار ساعت کل دنیا خبردار خواهد شد.» گفت: «شماها می‌گویید که دو هزار سال است که عیسی قیام کرده و [با این حال] آنها که از چنین چیزی خبر دارند هنوز یک سوم از کل مردم هم نیستند.»

دلیل این امر این است که شما از منظر و دیدگاه عقلانی‌ای که نسبت به موضوع اختیار کرده‌اید حرفتان را گفتید. شما از موضع [و با نتیجه‌های رایج در] مدارس یا آنچه در روند آموزش تحصیل شده است سخن گفتید.

اگر مجموع این کلیسای بزرگ خدا، با احتساب کاتولیک‌ها، پروتستان‌ها و جمیع آنها با هم، روح‌القدس را یافته بودند این دنیا سفت و محکم بر روی شالوده‌ی مسیحیت استقرار می‌یافت و چیزی به نام کمونیسم وجود نمی‌داشت. اثری از منازعه یا دشمنی یا رذالت یا نفرت نمی‌بود. عیسی بر روی تخت خویش جلوس می‌نمود و در حیات ابدی در میان فردوس و پردیس‌های پروردگار می‌خرامیدیم، زندگی همیشگی را تجربه می‌کردیم و در حالی که رستاخیز در یک بدن نو صورت گرفته بود و قدم‌زنان به این سو و آن سو می‌رفتیم، هیچ‌گاه پیری را نمی‌دیدیم، هرگز موهایمان سفید نمی‌شد، هرگز مریض نمی‌شدیم، هرگز گرسنه نمی‌شدیم، در شادی خداوند می‌خرامیدیم و با حیوانات سخن می‌گفتیم. و وای که عجب روزی! ولی ما هر کاری کردیم جز آنچه او...

۸۱ گفت: «در تمام عالم بروید [و جمیع خلائق را] به انجیل موعظه کنید.» انجیل چه می‌کند؟ «زیرا که [انجیل] محض سخن وارد نشده بلکه با قوت و روح‌القدس و برهان روح.» انجیل آشکار و نمایان نمودن کلام خداست.

۸۲ شما نمی‌توانید این کار را بکنید. عیسی این را می‌دانست، این را می‌دانست که باید در کلیسای خود زیست کرده، حضوری زنده داشته باشد.

به این ترتیب، او می‌دانست که ما مکاتب و مدارس مبتنی بر عقلانیت او تفکرات انسانی را خواهیم داشت. و شما آن حقیقت الهی را هرگز در یک مدرسه روشنفکر مآب مبتنی بر عقلانیت به دست نخواهید آورد. آنها علیه آن امر الهی خواهند بود. چون آنچه که می‌دانند تماماً چیزی است که از یک آدم باذکاوت فراگرفته‌اند، یا یک اعتقادنامه یا فرقه‌ای که خوش دارند طبق آن زندگی کنند. بنابراین شما را در آن ساختار گیر خواهند انداخت و شما را به عضوی از آن بدن بدل خواهند ساخت و برادر، مطالبی را از روی اعتقادنامه برایتان نقل خواهند کرد که در ظاهر عالی و عاری از نقص به نظر خواهد رسید. «کلیسای مقدس بزرگ یا مادر، ضربات بسیار را تاب آورده است. در برابر برخوردها و اصابت‌های پر شمار ایستاده و مقاومت کرده است.» شیطان هم همین‌طور. تقریباً او را از هر جایی که بود بیرون انداختند و با این حال همچنان به همان شکل ادامه می‌دهد. بله، آقا. سعی خواهند کرد این چیزها را نقل کنند.

۸۳ به این ترتیب عیسی می‌دانست که یک حرکت بزرگ مبتنی بر عقلانیت او تفکرات انسانی را خواهد افتاد، درست نظیر وضعیت موجود در روزگار خودش، مواردی مثل دیگ‌شویی و پیاله‌شویی و لباس پوشیدن و یقه‌های برگشته و همه‌ی آن کارهایی که می‌کردند، همه‌ی آن کارهای مختلفی که مایل به انجامش خواهند بود. او می‌دانست که چنین خواهند کرد، برای همین گفت: «یک دقیقه صبر کنید. شما را یتیم نخواهم گذاشت، بازمی‌آیم تا با شما باشم. در نتیجه» همان‌طور که گفت: «کارهایی که من می‌کنم شما نیز خواهید کرد.»

۸۴ هدف از فرستادن روح القدس این بود که خدا از طریق دسته‌ای از مردم کار را ادامه دهد تا پیوسته به جهان و جهانیان ظاهر گردد. دقیقاً همین. نه به وسیله‌ی اعتقادنامه، نه به وسیله‌ی فرقه بلکه به وسیله‌ی قوت قیام او، به وسیله‌ی عینیت بخشیدن و حقیقی ساختن کلام وی. با پذیرش وعده‌ی او و ایستادن در موضع اقلیت و ایمان و باور به خدا و مشاهده‌ی اینکه به چه سان آسمان‌های سیاه و فضای تاریک رفته، به عقب رانده می‌شوند و قدرت خدا پیشروی می‌نماید و غالب آمده، تسخیر می‌کند. آمین. این همان چیزی است که او می‌خواهد. و این همان چیزی است که روح القدس به خاطر آن فرستاده شده است. او برای همین هدف آن را فرستاد. اکنون می‌دانیم چیست و برای چه آن را فرستاد.

۸۵ در نتیجه هیچ خون دیگری مردم را تقدیس نخواهد کرد. من نمی‌توانم شما را تقدیس کنم و شما نمی‌توانید تقدیس کنید زیرا ما هر دو در پی عمل جنسی زاده شدیم. ولی عیسی بدون عمل جنسی متولد شد، درست است، به این ترتیب خون او تقدیس‌کننده بود. و خدا پایین آمد، یک بدن پدید آورد و در آن زندگی کرد و آن خون اعظم را محض تقدیس این ریخت، امری که کاملاً بار جرم گناه و شرم را بیرون راند. به این ترتیب پروردگار از طریق ایمان و از مسیر باور به آن امر الهی فرود آمده و یگراست وارد آن بدن انسانی می‌شود و به وسیله‌ی عمل تقدیس‌کننده‌ی آن خون اعظم، او را از راه ایمان به ذریت ابراهیم بدل می‌نماید.

۸۶ او با ایمان به اینکه آن خون اعظم خواهد آمد، گام برداشت آن خون پاک الهی که معجزه‌های همانند خون او خواهد بود، آن هم وقتی دیگر «در حد یک مُرده» بود. او به مدت بیست و پنج سال به خدا [و آنچه گفت] ایمان داشت، هفتاد و پنج ساله بود و تا صد سالگی ایمان داشت. و سارا شصت و پنج سال داشت و تا نود سالگی ایمان داشت. «و او [ابراهیم] تقریباً مرده بود.»

و خدا گفت: «محض آنکه خلق مطمئن باشند که آن را از دست نمی‌دهند او [اسحاق] را بردار و به بالای کوه ببر و برای قربانی بگذران.»

۸۷ به خادمان گفت: «شما در اینجا نزد الاغ بمانید تا من با پسر بدانجا برویم و پرستش کرده نزد شما باز آییم.» وای، چگونه این کار را خواهد کرد؟

ابراهیم گفت: «او را چون کسی که از اموات آمده باز یافتم. می‌دانم که کسی که او را از اموات به من بخشید، قادر است او را از اموات برانگیزاند، تنها در صورتی که قول و کلام وی را پاس دارم. به کلام وی عمل می‌کنم و او قادر است که وی را از مردگان برانگیزاند.»

۸۸ [این حکایت] به گونه‌ای تمام و کمال از مسیح سخن می‌گوید! خودش است. و از طریق این سلول خونی روح‌القدس پدیدار می‌گردد که خود را در بدنی موسوم به عیسی محدود ساخته بود. آن خون اعظم مسیری را تقدیس کرد تا به ایمان از رهایی‌یافتگان یا برگزیدگان خدا دعوت به عمل آید. و آن‌گاه که آن امر الهی را پذیرفتید و روح‌القدس جمیع ردالت‌ها را از وجودتان بیرون ریخت، او یعنی خود پروردگار یگراست وارد می‌شود تا اراده‌ی خود را به جا آورده، عملی سازد.

۸۹ اینجا و این پایین آن کارفرمای فرومایه بداخلاقی می‌کند و آن یکی شخص پیر فلان و بهمان که اینجاست دارد فلان و بهمان کار را می‌کند و این پیرمرد دارد راجع به آن حقیقت حرف می‌زند و از آن بدگویی می‌کند. آدمی که از روح‌القدس پر باشد مستقیم و رو در روی آن خواهد ایستاد. آمین.

۹۰ «آنها مردم بی‌علم و عامی بودند لیکن ایشان را شناختند که از همراهان عیسی بودند.» روح‌القدس برای همین منظور می‌آید.

۹۱ یک ماهیگیر بی‌ادعا که نمی‌توانست نام خود را بنویسد. ولی او در آنجا ایستاد و گفت: «به که باید ایمان داشته باشیم، به انسان یا به خدا؟» آمین. [برادر برانهمام یک بار دست می‌زند-گروه تألیف]. «بر شما معلوم باشد که همچنان به نام عیسی موعظه خواهیم کرد.» خدای من، عجب جسارتی! او می‌دانست که منزلی در آن سو دارد. درست است. او در اینجا زائر و غریب بود. او در طلب آن شهر [آسمانی] بود که باید بیاید.

آن کاهن ریاکار پیر چه اهمیتی می‌توانست برای او داشته باشد؟ او تحت فرمانروایی پروردگار آسمان بود، کسی که پسرش یعنی عیسی مسیح را [از مردگان] برخیزانده بود و او را از روح خدایی که آسمان‌ها و زمین را ساخت، پر کرد. خودش است. او هراسی از آن کاهن نداشت. نه، آقا. مرگ...

۹۲ وقتی استیفان بینوای بی‌ادعا را به آنجا بردند و گفتند: «سخت را پس بگیر!» گفت: «ای گردنکشان که به دل و گوش نامختونید، شما پیوسته با روح القدس مقاومت می‌کنید چنانکه پدران شما همچین شما.»

گفتند: «آن قدر تو را خواهیم زد تا بمیری!»

گفت: «نمی‌توانید این کار را بکنید اگر شما...؟»

«نشانت خواهیم داد که می‌توانیم یا نه!» و سنگ‌های بزرگ برداشتند و شروع کردند به کوبیدن بر سرش.

۹۳ او به بالا نگریست و گفت: «اینک آسمان را گشاده می‌بینم. پایین آمدن نردبان را می‌بینم. عیسی را ایستاده بر دست راست حضرت‌اعلی می‌بینم.» و کتاب مقدس نمی‌گوید که او مُرد بلکه می‌گوید که او خوابید. چه پر جلال! یقیناً، می‌توانم ببینم که فرشته‌ای پایین می‌آید و او را بلند می‌کند و مادروار او را مانند یک کودک، به آرامی می‌جنباند تا وقتی که به خواب رفت.

۹۴ این هدف و کارکرد روح القدس است. خدا برای همین منظور روح القدس را فرستاده است. روح القدس می‌آید تا به شما قوت ببخشد. در اینجا چند نگاشته‌ی دیگر را دارم، یک دقیقه صبر کنید. روح القدس می‌آید تا به شما قوت ببخشد. من نمی‌توانم... خودتان می‌توانید آن را پیدا کنید. امشب خیلی [از دور و برم] دور افتاده‌ام.

به شما قوت ببخشید، قوت در دعا و پرستش!

۹۵ شخصی را در نظر بگیرید که خوب زندگی کرده است ولی از آنها که همواره کارشان به شکست و ناکامی کشیده است. «خوب، به شما می‌گویم...» یک آدم خوب [که می‌گوید]: بلی برادر برانهام، یقیناً دوستدار خداوند هستم. «[ولی] همیشه شکست خورده و ناکامند و هیچ‌گاه دعایی از آنها اجابت نمی‌شود.

آن خانم بینوای را یک بار با روح القدس پر کنید و ببینید که چه رخ می‌دهد. وقتی به حضور خدا بیاید، ناکام و شکست خورده نیست. او با ایمان جسورانه به پیشگاه تخت پروردگار می‌آید. او صاحب یک حق است زیرا از راه تولدی برتر دختر خداست.

آن آقای بینوای بسیار خائف را در نظر بگیرید، کارفرمایش در همه حال با او تندی می‌کند. می‌گوید: «یک دقیقه اینجا صبر کن.» چنانکه می‌بینید، چیزی تغییر کرده است، او روح القدس را یافته است. او [روح القدس] به شما قوت می‌بخشد. زندگی شما سرشار از قدرت و قوت می‌شود.

در گفتار و سخن به شما قوت می‌بخشد.

۹۶ وای، شگفتا، آن افراد وحشتزده‌ای که آنجا ایستاده بودند یعنی پطرس، یعقوب، یوحنا، لوقا و همه‌ی آنها. آنها به بالاخانه رفتند و [چه بسا] می‌گفتند: «خوب، دیگر حرفی برای گفتن نداریم. به آن سو نگاه کنید، دکتر فلانی و فلانی آنجاست. رتی فلانی و فلانی و بهمان. می‌دانید، او دارای چهار مدرک دانشگاهی است. چطور می‌توانیم با او مواجه شده و در برابرش بایستیم؟» [چه بسا] پطرس گفته باشد: «خوب، یادم می‌آید

که یک روز به این آقا ماهی فروختم، حرف که می‌زد اصلاً نمی‌فهمیدم از چه حرف می‌زند. خوب، هرگز نمی‌توانستم در برابرش بایستم.» ولی چه کار کرد که...

«برادران، چه باید کرد؟»

«او گفت: منتظر بمانید.»

«خوب، چهار روز است که اینجا هستیم.» «به انتظار ادامه دهید.»

«تا کی و تا چه مدت؟»

«تا آن زمان که.»

«خوب آیا او گفت که روز پنجم خواهد بود؟»

«او هیچ‌گاه نگفت تا چه مدت. گفت: تا آن زمان که.»

بله، آنها به انتظار ادامه دادند. تا چه مدت؟ «تا آن زمان که.» هشت روز گذشت.

«تا آن زمان که.» نه روز گذشت. «تا آن زمان که.»

و بالاخره چون روز پنطیکاست به طور کامل فرارسید جمیع ایشان به یک دل در یک جا بودند.

۹۷ خدا در یک ابر آتشین فوق و بالای آنها بود، خدا بر روی زمین با آنها و در کنار آنها گام برداشته بود، اینک قرار بود اتفاق دیگری رخ دهد. قرار است چیزی واقع شود.

... جمیع ایشان به یک دل در یک جا بودند.

و ناگاه آوازی چون صدای وزیدن باد شدید از آسمان آمد و تمام آن خانه را که در آنجا نشسته بودند پر ساخت.

... و زبانه‌های منقسم... بر ایشان... قرار گرفت.

منقسم یعنی چه؟ «بریده، بخش‌بخش شده.» نظیر لُکنت، تا به حال به بیان کسی که لُکنت دارد گوش کرده‌اید؟ بیانشان چنین است: «ع-ع-ع، ع-ع-ع» توجه دارید که نمی‌توانند چیزی بگویند. «منقسم، بخش‌بخش شده.» مثل سُم شکافته و منقسم به معنی چیزی که «جدا شده، بخش‌بخش شده» است. آنها سخن نمی‌گفتند، وراجی نمی‌کردند. گویی تنها سر و صدا می‌کردند.

... زبانه‌های منقسم‌شده مثل زبانه‌های آتش بر ایشان قرار گرفت. (وای

که نمی‌توانستند جلوی خود را بگیرند!)

و همه از روح‌القدس پر گشتند... چه باشکوه!

۹۸ بعد چه اتفاقی افتاد؟ بیرون به کوچه‌ها و خیابان‌ها رفتند. «آن رتبی که نامش جونز بود کجاست؟ آن رفیق کجاست؟ و آن غول حوزه‌ی تفکر و عقلانیت کجاست؟»

«خدا در دوران موسی فوق از ما بود، در بوته‌ی مشتعل. او ما را از بالا به من تغذیه کرد. او به مدت سه سال و شش... سه سال و شش ماه با ما بر روی زمین راه رفت. ولی اکنون او در من است. آنکه سخن می‌گوید من نیستم، اوست. می‌دانم او کیست و می‌دانم خودم چه کسی هستم. و دیگر من نیستم، اوست.»

او را به اینجا بیاورید! ای مردان اسرائیلی و... ای سکنه‌ی یهودیه، این را بدانید و آگاه باشید و همه‌ی شما واعظان و رتبی‌ها سخنان مرا فراگیرید. شگفتا! چه شگرف! قدرت نطق! وه! «اینها مست نیستند!» او در برابر ده هزار نفر یا بیشتر به دفاع از آن اقلیت کوچک صد و بیست نفری برخاسته بود.

... اینها مست نیستند چنانکه شما گمان می‌برید زیرا که ساعت سوم از روز است.

من یک مبشر انجیل تام هستم، بلکه این همان است که یوئیل نبی گفت که:

خدا می‌گوید که در ایام آخر چنین خواهد بود که از روح خود بر تمام بشر خواهیم ریخت و... مریم را در آنجا دیدید که دارد در روح می‌رقصد و به زبان‌ها سخن می‌گوید و بانگ سر می‌دهد... بر تمام بشر...
... و از روح خود بر کنیزان خود خواهیم ریخت...

[برادر برانهام سه بار دست می‌زند-گروه تألیف.]

... از بالا در افلاک عجایب و از پایین در زمین آیات را... از ستون‌های آتش و بخار دود به ظهور خواهیم آورد.
به این ترتیب خدا در قوم خود بود. آمین.

«خوب، مدرک تحصیلی تو چه بود؟ از کجا و کدام آموزشگاه عالی می‌آیی؟»
۹۹ «اکنون این موضوع کمترین اهمیتی ندارد.» خوب، شروع می‌کند به جاری کردن نگاهی مقدس.

داود او را از پیش رؤیت کرده بود!... خداوند را همواره پیش روی خود دیده‌ام... جنبش نخواهم خورد؛

... از این رو دلم شاد گردید و زبانم به وجد آمد؛

... نفس مرا را در عالم اموات ترک نخواهد کرد و قدوس خود را نخواهد گذاشت که فساد را ببیند.

... اجازه دهید بی‌محابا درباره‌ی داود پطریارخ با شما سخن گویم... که او وفات نموده، دفن شد و مقبره‌ی او تا امروز در میان ماست.
ولی در مقام نبی... آمدن آن یگانه‌ی عادل را از پیش دیده بود.

... پس یقیناً بدانید که خدا همین عیسی را که شما به دستان پلید مصلوب کردید، خداوند و مسیح ساخته است. آمین!

۱۰۰ «ای آقایان و برادران، چه کنیم تا نجات یابیم؟»

... گفت: توبه کنید و هر یک از شما به اسم عیسی مسیح بجهت آمرزش گناهان تعمید گیرید و عطای روح القدس را خواهید یافت.

زیرا که این وعده است برای شما و فرزندان شما و همه‌ی آنانی که دورند یعنی هر که خداوند خدای ما او را بخواند. آمین.

۱۰۱ تا وقتی خدا یک قوم دارد، [تا وقتی] خدا یک کلیسا دارد، خدا روح القدس را دارد که همراه آن حرکت می‌کند. خدا روح القدس را برای همین مهم عطا فرموده است. عقل باوران برخاسته و قد علم خواهند کرد. همواره چنین کرده‌اند. ولی خدا یک گروه اقلیت را در یک جا دارد. خدا یک کلیسای کوچک دارد که همراه و همراستا با تعمید روح القدس حرکت خواهد کرد تا آن نور الهی را مطالبه نماید. و آنها کسانی هستند که از طریق شهادتشان جهان را داوری خواهند نمود.

آیا کتاب مقدس نمی‌گوید که عیسی گفت: «خوشبحال پاکدلان زیرا ایشان خدا را خواهند دید.»؟ آیا نمی‌گوید: «عادلان و مقدسان دنیا را داوری خواهند کرد.»؟ [جماعت می‌گوید: «آمین.» - گروه تألیف.] یقیناً.

شهادت امروز شما داوری را بر این شهر عارض گردانیده، بر سر آن خواهد آورد. هنگامی که این...

۱۰۲ «بنابراین اولین آخرین و آخرین اولین خواهند شد.» من مسئول رستاخیز سَنکی و مودی نیستم. آنها نیز چنین مسئولیتی در قبال من ندارند. ولی من بر همین پایه برای ارائه‌ی شهادت خود خواهم ایستاد، شما هم همین‌طور.

و از آن مسیر یعنی با پرتوافکنی نور الهی خود، با تعمید روح القدس و با زندگی‌ای که در پیش گرفتید و آن کارها که خدا انجام داد تا ثابت کند که در اینجا حضور داشته، حرکت می‌کند... و آنها که با روشنفکرآمایی و عقل باوریشان از آن امر الهی دور شدند توسط مقدسان داوری خواهند شد. آنها همین حالا هم داوری شده‌اند. آنها همین حالا از آن گذشته‌اند. چه هولناک!

۱۰۳ داشتم از قدرت دعا، از قوت نطق، از قوت برای یک زندگی مقدس می‌گفتم. آمین. این همان چیزی است که روح القدس باید انجام دهد.

۱۰۴ شماری از شما راه می‌روید و می‌گویید: «خوب، نمی‌توانم نوشیدن را کنار بگذارم. نمی‌توانم این را ترک کنم.»

روح القدس می‌آید تا در درون شما زندگی کند تا همه‌ی این «نتوانستن‌ها» را از شما بیرون براند. درست است. تا خانم‌ها را از کوتاه کردن مویشان بازدارد، تا آنها را وادارد پوشیدن شلوارک و شلوار را ترک کنند. هیچ عذر و مستمسکی وجود ندارد. تا آنها را به ترک غیبت و بدگویی وادارد. بلی، آری، روح القدس برای همین است. برای اینکه یک زندگی مقدس را برایتان بسازد. او هر بار از دستورات و رهنمودهای کتاب مقدس پیروی خواهد کرد.

۱۰۵ خانمی می‌گوید: «هوا خیلی گرم است، مجبورم از اینها بیوشم. اگر بگذارم موهایم بلند شوند، سر درد خواهم گرفت.»

ولی با وجود روح القدس هیچ عذری وجود ندارد. او آنجاست تا آن را اجرا کند. او کاملاً از کلام پیروی خواهد کرد. روح القدس چنین کاری را به جا می‌آورد.

آنجاست تا شما آقایان را به رو برگرداندن و نگاه نکردن به خانم‌های نیمه‌برهنه وادارد و اینکه دست از تمایلات شهوانی خود نسبت به آنها بردارید، [آن هم شما که] از اعضای کلیسا هستید. این کاری است که انجام می‌دهد.

۱۰۶ [حضورش] برای این است که سیگار کشیدن و نوشیدن را ترک کنید و... خواسته‌ی کله‌گنده بودن را... آن را از شما برخواهد کند و از سرتان خواهد انداخت. وقتی چنین کنید، کاری خواهد کرد که متواضع شوید. روح‌القدس برای همین است. برای یک زندگی مقدس. درست است. شما را به دست کشیدن از پشت سرگویی وامی‌دارد. شما را به ترک ورق‌بازی، تاس‌بازی و همه‌ی آن کارهایی که در گوشه و کنار می‌کنید، وامی‌دارد.

کاری خواهد کرد که از ادامگی آن رابطه‌ی [نامشروعی] که درگیرش هستید دست بردارید، از زندگی در وضعیت ناراستی و خیانت نسبت به خانم خود. این کاری است که خواهد کرد. درست است. کاری خواهد کرد که از ازدواج با کسی که زن یک نفر دیگر است چشم‌پوشید. کاملاً درست است.

چیستی او [روح‌القدس] همین است. برای این [داده شده] است تا شما را به در پیش گرفتن یک زندگی مقدس وادارد. قوت روح‌القدس برای همین کار است تا: «در آنچه بالاست تفکر کنید.» جایی که خدا ایستاده است در ...؟!... فکر و ذهن مسیح در شما. نمی‌توانید از رؤیت آن امور خودداری کنید. وقتی چشم شما به آنها می‌خورد، سرتان را برمی‌گردانید. درست است. حضورش برای این است که شما را چنین سازد.

۱۰۷ می‌گویید: «نمی‌توانم چنین کاری بکنم. وای، توانایی‌اش را ندارم.» البته که شما توانایی‌اش را ندارید.

ولی روح‌القدس برای همین هدف می‌آید. این کاری است که او انجام داده است. او می‌آید تا آن را از شما بیرون رانده، بزداید یعنی همه‌ی آن عادات و کارهایی که انجام می‌دهید.

آن بدگویی‌های همیشگی، اینکه خودتان را جدا کرده و می‌گویید: «پروردگار متبارک باد، من متدیستم، هیچ کاری با آن غلتندگان مقدس نخواهم داشت.» روح‌القدس می‌آید تا آن را از شما برداشته، بیرون براند.

۱۰۸ «من باپتیست هستم. من مشایخی هستم. پیش آن جماعت غلتنده‌ی مقدس نخواهم رفت.» روح‌القدس می‌آید تا تمام این جمود را از وجودتان بیرون بکشد. این کاری است که او انجام داد. او شما را در آن خون اعظم شستشو می‌دهد، شما را اتو می‌کند. این آن چیزی است که برای انجامش می‌آید.

او می‌آید تا شما را صاف و اصلاح کند. او گفت: «جای‌های ناهموار را صاف و هموار می‌سازم.» این کاری است که برای انجامش می‌آید، هموار کردن، صاف کردن. «بلندی‌ها را پست می‌سازد، کوه‌ها را چنان می‌جیناند که مانند کوچ‌های جوان در حال رقص شوند و جمیع برگ‌ها برای تو دستک می‌زنند.» [برادر برانهام چهار بار دست می‌زند- گروه تألیف.] آواز پرندگان متفاوت است. زنگ سرور و شادی طنین‌انداز

می‌شود. هیچ عذر و توجیهی وجود ندارد. این همان است که برای انجامش می‌آید. هدف خدا از فرستادن روح‌القدس همین است، اینکه این کارها را انجام دهید و از عقب او کار... گام برداشته، بیایید.

۱۰۹ حال، نمی‌خواهم شما را برنجانم ولی به شما گفتم که در کمال صداقت در اینجا حاضر شده‌ام. برای اینکه از زندگی در امان بمانید، هر چند وقت یک بار، یک جایی گریزی به یک خط خواهیم زد و با آن حقیقت الهی و پای آن می‌مانم ولی ماندن در آن نقطه و طرح مطلب به گونه‌ای که خیلی برایتان گزنده نباشد هم شدنی است.

۱۱۰ اما می‌خواهم مطلبی به شما بگویم. اگر کتاب مقدس می‌گویند که کوتاه کردن مو برای یک زن نارواست و شما که مدعی داشتن روح‌القدس هستید و موی خود را کوتاه می‌کنید، از خود می‌پرسیم که آیا آن را دارید. عصبانی نشوید. اگر [عصبانی] می‌شوید، همین همچنان نشان می‌دهد که نکته‌ای دیگر علیه شما وجود دارد.

۱۱۱ اگر کتاب مقدس می‌گوید که پوشیدن لباس مردانه برای یک خانم نارواست و شما خانم‌های بزرگسال در خیابان و این بیرون از آن تن‌پوش‌های یکسره و شلوار می‌پوشید... به گمانم یک بچه‌ی کوچک می‌تواند همه‌ی... آنها با پسر بچه‌ها بازی می‌کنند و این جور چیزها. ولی توجه کنید وقتی شما خانم‌های بالغ و بزرگسال، در پانزده، شانزده، هجده سالگی تا سن مادر بزرگ شدن، آن بیرون در خیابان [چنین پوششی دارید]... و کتاب مقدس گفت: «این از نظر خدا کراهت دارد و قبیح است.» یعنی اینکه یک خانم چنین چیزهایی بپوشد. و با این حال شما آنها را می‌پوشید و می‌گویید که روح‌القدس را دارید؟ گاه این برای من سؤال می‌شود. روح‌القدس از او به او کلام خدا پیروی خواهد کرد.

و اعظی در پشت تریبون که به قدر کافی از فیض بهره نبرده تا آن را موعظه کند، تردید دارم که او هم آن را داشته باشد. دقیقاً همین‌طور است! خوب، روح‌القدس برای همین وارد عمل می‌شود.

۱۱۲ حضورش برای مسح کردن واعظ است. برای تقدس بخشی به گروه است. برای نظم بخشی به کلیساست. برای ایجاد یک وفاق و اتحاد در روح است. برای متحد کردنمان با آن قوت الهی است. برای آن است تا به محبت و مهر برادرانه متحدمان کند.

کار به این ندارم که متدیست هستید یا باپتیست، مشایخی یا لوتری. هر چه هستید اگر جمیع ما به یک روح در یک بدن تعمید یافتیم و عضوی از بدن عیسی مسیح شدیم، چیزی وجود ندارد... هیچ چیز وجود ندارد که در حال یا در آینده، خواه گرسنگی، خواه قحطی که بتواند ما را از محبت پروردگار، از محبت مسیح جدا سازد یعنی از «محبت پروردگار که در عیسی است.» زیرا ما از روح او مولود گشته، در خون وی شسته شدیم. ما خلقتی نو هستیم. این همان کار است که خدا برای انجامش آمد. این همان کار است که روح‌القدس برای انجامش حضور دارد. بله، آقا. این همان است.

۱۱۳ حال، جماعت، به من و به چهره‌ام نگاه کنید. دست‌های بسیاری بالا رفت، [به نشانه‌ی اینکه] شما روح‌القدس را دارید؛ توجه دارید، حتماً [دست‌های بسیاری] در آنجا

بود. بلی، اکنون مختصر بازگشتی در اینجا خواهیم داشت. این اظهارات ضبط می‌شود. ولی فردا شب این مهم را بیشتر خواهیم شکافت.

اگر می‌گویید که آن را یافته‌اید و با این حال این کارها از جرایم ارتكابی شمامست، از خود می‌پرسم که چه چیز دارد شما را هدایت می‌کند. خدا هرگز شما را به خارج از کلام هدایت نخواهد کرد. شما را همراه کلام حفظ خواهد کرد زیرا این در بردارنده‌ی قوانین خود خدا هستند، در رابطه با کلیسایش، برای قومش، برای خانم‌ها و برای آقایان. ۱۱۴ می‌گویید: «خوب، اینکه این یا آن کار را بکنم آسیبی به من نمی‌رساند.» نمی‌رساند؟ کلام می‌گوید که می‌رساند.

و اگر روح‌القدس در شماست، شما را یگراست به کلام هدایت خواهد کرد. عذر و بهانه وجود نخواهد داشت. خدا دستکاری یا بهانه‌تراشی نمی‌کند. او خط را مشخص می‌کند و شما تمکین می‌کنید. همین و تمام. این چیزی است که در مورد هر یک از افراد صادق است. شما به همان شکل آمده، وارد می‌شوید.

۱۱۵ پطرس گفت: «توبه کنید و هر یک از شما به اسم عیسی مسیح بجهت آمرزش گناهان تممید گیرید و سپس عطای روح‌القدس را خواهید یافت.» ملاحظه می‌کنید؟ همین است. لازم است این خط را پی بگیریم.

۱۱۶ حال، قصدم رنجاندن شما نیست، من شما را بسیار دوست دارم. ولی برادر، خواهر، آیا می‌فهمید که با... می‌دانم که باید در روزهای واپسین در آن هنگامه‌ی رستاخیز همراه با این نسل از مردم، بایستم و برای این کلام حساب پس بدهم؟ و روح‌القدس این را نشان می‌دهد و من هم همان امر الهی را بیرون و در آن سو موعظه می‌کنم، شما کجا خواهید ایستاد؟ به چه سان از این واقعه خواهید جست؟ نمی‌توانی، رفیق. این کار را نکنید. اکنون آن را متوقف کنید. هر کار که می‌کنید، این کار اشتباه است، تمامش کنید.

می‌گویید: «نمی‌توانم.»

با این حساب شما هنوز آنکه می‌تواند را در خود ندارید. وقتی روح‌القدس می‌آید قوت غلبه بر دنیا را در اختیار شما قرار می‌دهد. و اگر شما... به آنچه گفت گوش دهید: «اگر دنیا و آنچه در دنیاست را دوست بدارید، محبت خدا در شما نیست.» باری، هیچ عذری وجود ندارد. او به صراحت این مسئله را عنوان می‌کند و بر ماست که خود را به این شاخص برسانیم.

۱۱۷ می‌دانم که فکر می‌کنید هراس‌انگیز هستیم. ولی من فقط همین حالا هراس‌انگیز هستیم. توجه دارید؟ گوش کنید. درست است. اکنون، برادر، خواهر، خود را به تراز در خور آن امر الهی برسانید.

۱۱۸ نگذارید برخی از آن دانشکده‌های روشنفکر مآب این اطراف به شما بگویند: «خوب، اینکه قدیمی شده و مال کهنه‌پسندهاست.»

اگر قدیمی شده و برای کهنه‌پسندهاست پس خدا هم قدیمی و کهنه‌پسند است. و اگر خدا قدیمی و کهنه‌پسند است پس من هم هستم. آمین. دوست دارم شبیه او

باشم. چرا؟ روح او در من است و گرسنگی و تشنگی می کشد و بر هر آنچه خلاف کلام باشد نهیب می زند...

۱۱۹ اگر مردم بگویند: «اگر کسی محض تفنن و تفریح ورق بازی کند، کاملاً رواست و اگر فقط در حد یک یا دو سکه‌ی پنج سنتی شرطبندی کند، کاملاً رواست.» خدا می گوید که نیست.

۱۲۰ «خوب، اگر به صورت دوستانه و در حد مقبول بنوشی و هر از گاهی اندکی مست کنی [چیزی نمی شود].»

ولی خدا گفت: «وای بر او.»

۱۲۱ می گوید: «خوب برادر برانهام، مسئله‌ای نیست. من -من- مویم را به خاطر یک واقعیت کوتاه می کنم. یک خانم، همان طور که می دانید... بقیه‌ی خانم‌ها همین کار را می کنند.» اینکه بقیه‌ی خانم‌ها چه می کنند برایم اهمیتی ندارد. آنها الگو یا رئیس شما نیستند. اگر روح القدس را در خود دارید، از دستوراتش پیروی خواهید کرد، بی توجه به اینکه مردم درباره‌ی شما چه می گویند.

۱۲۲ «خوب، برادر برانهام هوا خیلی گرم است و مجبورم این لباس‌های کوتاه چین و چنان را بر تن کنم.» خواهر عزیز، هوای جهنم از این هم گرم تر است. بگذارید این را به عرضتان برسانم. و-و این کار را نکنید. این را به خاطر بسپارید.

۱۲۳ و روح القدس همواره شما را به سوی حقیقت رهنمون خواهد شد و حقیقت او همان کلام است. «سخن همه‌ی انسان‌ها دروغ ولی سخن من حق و حقیقت است.»

فکرش را بکنید: «[این امر] کراهت بار است.» فکرش را می کردید؟

۱۲۴ این حرف بسیار ناخوشایندی است که از دهان یک خادم بیرون آید ولی پیش آمده که وارد دستشویی‌های جاهایی شدم که فقط... تقریباً مجبور می شوید برگردید بیرون بس که... چیزهای کثیف روی دیوار است. با خود فکر کردم: «چطور امکان دارد که مردم تا این اندازه تنزل نموده به این حضيض برسند؟» و بوی گند می دهد. و وقتی وارد این مکان‌ها می شوم با خود فکر می کنم: «عجب بوی گندی!» من... در آنجا دماغم را به این شکل می گیرم تا دست‌هایم را بشویم. این ترس را دارم که وقتی دستگیره را لمس می کنم میکروب‌های [مربوط به بیماری‌های] مقاربتی و چنین چیزهایی در آنجا باشد. و با خود می گویم: «وای!»

۱۲۵ یک روز در یک فرودگاه بودم، یکی از آن مکان‌هایی که واردش شدم... یا شاید ایستگاه راه‌آهن بود، وارد آن مکان شدم. و با خود فکر کردم: «وای، خدا رحم کند.»

۱۲۶ و چیزی خطاب به من گفت: «برای خدا، دنیا همین بو را می دهد. یک کراهت است.»

۱۲۷ فکر کردم وقتی خانمی را می بینم که در خیابان قدم می زند و تماماً خود را به آن شکل درآورده است و لباس‌های مردانه پوشیده، در دیدگان خدا همین‌طور به نظر

می‌رسد. به واقع در پیشگاه خدا یک چیز مکروه است، یک چیز ناپاک و بدبو. با این حال همین خانم یکشنبه آرایش کرده به کلیسا خواهد رفت.

همین‌طور آقایی که به آنجا خواهد رفت، کسی که می‌نوشد و فریب می‌دهد و عاشق پول است و به همسایه‌اش خیانت می‌کند و همه‌ی این کارها را می‌کند تا اندک پول بیشتری گیرش بیايد. او این کارها را می‌کند و قمار می‌کند و اهل سیگار کشیدن و نوشیدن و دروغ است و بعد همان شخص به کلیسا می‌رود و شهادت می‌دهد. مکروه! ناپاکی و کثافت! این یک کلیسای روشنفکر مآب است.

۱۲۸ می‌گویید: «خوب، من به کلیسا تعلق دارم.» بله، قبل از برگزاری جلسه باید پانزده دقیقه جماعت کلیسا را بیرون بفرستید تا همه‌ی شماس‌ها و همه‌ی آنها و حتی شبان سیگارشان را بکشند. به من بگو! خود را از هر چیز ناپاک جدا کنید!

۱۲۹ «کسی که هیكل خدا را خراب کند، من او را هلاک خواهم ساخت.» خدا گفت که این کار را خواهد کرد. و امروز مرگ و میر بر اثر سرطان نود و چند درصد است یعنی سرطان گلو و ریه و سیگار کشیدن عامل و مسبب آن است. «کسی که هیكل خدا را خراب کند، من او را هلاک خواهم ساخت.» ولی آنها به قدری متصل به جهنم هستند که آن [تباکو] را به آن شکل می‌پیچند و نمی‌دانند و متوجه نیستند.

و بعضاً واعظی که پشت تریبون می‌رود و دارنده‌ی چهار مدرک دانشگاهی است خودش سیگار می‌کشد. برادر، بگذارید چیزی به شما بگویم. روح‌القدس فرستاده شد تا مردان و زنان خدا را به خروج از چنین چیزی دعوت کند. خودتان را جدا کنید!

واژه‌ی کلیسا به معنی «جدا شده بودن» است. کتاب مقدس گفت: «از میان ایشان بیرون آید و جدا شوید و چیز ناپاک آنها را لمس نکنید و شما مرا پسران و دختران خواهید بود و من شما را خدا خواهم بود.» پر جلال است! نمی‌خواهم بدجنس باشم بلکه می‌خواهم صادق و راستگو باشم. بله، آقا. به راستی چه چیز هولناکی!

۱۳۰ آقایان و خانم‌ها، امروز کجا و در کدام نقطه ایستاده‌ایم؟ کجا هستیم؟ توقف کنیم.

۱۳۱ آن شب روی یک صندلی قدیمی کوچک که آنجا در اتاق بود (باید تماشای کنیم) یعنی یک صندلی قدیمی دوفولد کوچک [نشسته بودم]. پس از آنکه به مدت سه یا چهار روز دعا کرده بودم، به جایی رسیدم که می‌چرخیدم و با خود فکر می‌کردم: «ای خدا!» و به نقطه و جایی رسیده بودم که نمی‌دانستم چه کنم. گفتم: «خدایا ما در انتهای راه هستیم. و می‌فهمم که سهل‌انگاری کرده‌ام. در مواردی درخواست‌هایی برای رفتن [به جایی] داشتم و خسته بودم و قید رفتن را می‌زدم.» سپس با خود فکر کردم که می‌توانستم خداوند را ببینم که افتان و خیزان از میان ظلمت آن منطقه عبور می‌کند، زمانی که از فرط خستگی به سختی می‌توانست پای را پس از پای دیگر حرکت دهد تا قدمی به پیش بردارد ولی خیلی... او به خاطر آن زن نائینی و بعد برای آن پسر مرده‌ای که به آنجا آورده بودند، توقف کرد تا بتواند به آنجا رفته و تابوت را لمس نماید و از اندک نیرویی که در وجودش بود برای برخیزاندن آن پسر استفاده کند. «خوب،

چه شد که خسته شده‌ام؟ خداوندا مرا چه می‌شود؟ اینجاست که فکر می‌کنم که دارم پیر می‌شوم. نمی‌توانم این کار را بکنم.»

۱۳۲ آن از موسی که آنجا بود، خادم همان خدایی که خدمت می‌کنم و در صد و بیست سالگی در آنجا ایستاد.

آن از کالیب که آنجا بود، در نود سالگی شمشیر به دست ایستاد و گفت: «چهل سال پیش یوشع این شمشیر را در دستم گذاشت.» او در آن زمان هشتاد ساله بود. گفت: «اکنون قوت من به اندازه‌ی همان موقع باقی مانده است.» آمین.

گفتم: «پروردگارا نسبت به من رحیم باش.»

۱۳۳ گفتم: «خوب، بین اینجا، من همیشه...» و دست خانم (که آن پشت نشسته است) را گرفتم و این کتاب مقدس و کتاب مقدس کوچکش در این سو بود و گفتم: «عزیزم، خیلی منفی‌باف بودم. روح‌القدس دارد مرا از درون ملزم می‌کند.» گفتم: «به ماجرای آن سنجاب‌ها که آنجا بودند فکر می‌کنم. به ماجرای حتی رایت که آنجاست و آن پسرهای کوچک فکر می‌کنم. به آنچه خدا انجام داد می‌اندیشم، [کارهایی] که نمایانگر این بود که او خداست و توان آفرینش و خلق دارد.» هلولویا!

با خود اندیشیدم: «سال‌ها پیش به من گفت: تو را وانخواهم گذاشت. هیچ‌گاه ترکت نخواهم کرد. در تمام روزهای عمرت هیچ انسانی نخواهد توانست در برابرت ایستادگی کند. همراهت خواهم بود. و از طریق [قدرت و عطای] تشخیص این دست، چنین خواهد افتاد که راز دل‌ها را بفهمی. پس از آن روند کار رو به رشد خواهد بود تا به [مراتب] بالا و بالاتر برسد. سال بعدش این امر به شکل تمام و کمال در سراسر جهان به اثبات رسید. اینک این از راه می‌رسد یعنی این خدمت عظیم و باشکوه دیگر که از آن فرسنگ‌ها پیشی گرفته، فراتر می‌رود.»

[به همسر] گفتم: «عزیزم، دستت را می‌گیرم. بشود که به فیض و باری پروردگار، هیچ‌گاه دوباره منفی‌باف نشوم. بشود که به سوی این بیداری که اینجا جریان دارد گام بردارم تا چنان موعظه کنم که نظیرش را پیش از این نکرده باشم. بشود که به اینجا بیایم تا ابتدا خودم را تقدیس کنم و راهی برای مردم ایجاد کنم تا گناهانم و سهل‌انگاریم زیر پوشش آن خون اعظم باشد، تا کاستی‌هایم زیر پوشش آن خون اعظم باشد و بتوانم راه افتاده و بگویم: جماعت، از پی من آید.» درست است.

بیزارم از اینکه بینم کسی بگوید: «برو و انجامش بده.» دوست دارم بینم که کسی پیشقدم می‌شود تا کار را انجام دهد. بله، آقا.

۱۳۴ چندی پیش اینجا در شهر یک حادثه‌ی آتش‌سوزی داشتیم، کمپانی روغن فائو دچار آتش‌سوزی شد. آتش‌نشان‌های جفرسونویل را به آنجا فرستادند. و یکی از دوستانم، یک آدم خوب، هرگز چنین شعله‌های غول‌آسایی را تجربه نکرده بود، او آنجا راه می‌رفت و می‌گفت: «پسرها، کمی آب به این سمت پاشید. اندکی آب به این سو پاشید.»

و اینجاست که گروهی کوچک از کلارکسویل از راه می‌رسد و با صدای «دینگ، دینگ، دینگ، دینگ» به آن سو می‌شتابند. و رئیس گروه پایین پرید و گفت: «یک ذره آب به این پایین بریزید. این پنجره را بشکنید. اندکی آب به آنجا بپاشید.»

۱۳۵ ولی آتش‌نشان‌هایی که آموزش دیده و آبدیده‌تر بودند از لوئیویل واقع در آن سوی رودخانه از راه رسیدند. آن خودروی حامل نردبان هنوز توقف نکرده بود که فرماندهی گروه در انتهای نردبان بود. وقتی نردبان بالا رفت، او آن بالا بود. پیش از آنکه به آنجا برسد، تبرش را پرتاب کرد و پنجره را شکست و گفت: «پسرها، بیایید!» همین! آتش در عرض چند دقیقه مهار شد.

نه این‌طور که: «اندکی آب به اینجا بریزید. کمی آب به آنجا بپاشید.» [این جریان] شماری از آن واعظان روشنفکر مآب را در ذهنتان تداعی می‌کند.

۱۳۶ همراه شوید! بیایید رهسپار شویم! می‌دانم که آن حقیقت است. چشیدم و دیدم. جلال باد! حق با روح القدس است. پروردگار نیکوست. اینجا و آنجا را امتحان نکنید، بیایید وارد شویم! او اینجاست. این برای شماست. خدا قوت خود را به کلیسایش عطا فرموده است. نه با پاشیدن به این طرف و اینجا و به سوی بیرون [این چنین] هرگز به جایی نخواهید رسید و هیچ کاری را انجام نخواهید داد. پیشقدم شوید! آمین. بلی! آری! دیگر حتی نمی‌توانم با آن هم ببینم. [برادر برانهام عینک مطالعه‌اش را برمی‌دارد- گروه تألیف.]

۱۳۷ آمین! چه کار خواهیم کرد؟ هر که اینجا نشسته است از چیزی پر شده است.

سپس خانمه خواهم داد. احتمالاً بعد از این مجبور به این کار خواهم بود.

شما از چیزی پر هستید. نمی‌توانید اینجا بنشینید بی‌آنکه از چیزی پر باشید. شما در خود حیات و زندگی دارید. آن حیات بر شما فرمان می‌راند و خود آن حیات تحت فرمان یک روح است.

اکنون شاید از روح دنیا پر شده باشید و عاشق دنیا و امور دنیوی باشید. پروردگار نسبت به شما رحیم باشد.

چه بسا از اعتقادنامه‌های یک کلیسا پر شده باشید، از برخی از آن دعا‌های کوتاهی که تکرار می‌کنید، تصوّر می‌کنید که قرار است دعا به شخصی که مرده است برسد یا یک نوع علامت روی خودتان می‌کشید. خدا به شما رحم کند.

۱۳۸ و چه بسا از تدبیر و مذهب پر باشید و این بدترش می‌کند. درست است. به گفته‌ی کتاب مقدس: «در ایام آخر آن عده بسیار مذهبی خواهند بود و صورت دینداری دارند، صورت دینداری دارند لیکن قوت آن را انکار می‌کنند. از ایشان اعراض نما.»

اگر از مذهب پر هستید وضع فلاکت‌باری دارید یعنی فقط مذهب و همین. اگر از اعتقادنامه‌ها پر شده‌اید، نمی‌دانید درباره‌ی چه حرف می‌زنید. اگر از دنیا پر هستید، کور هستید.

۱۳۹ و بعد هم افزون بر این، امکان دارد از روح القدس پر شده باشید. آمین. امیدوارم که باشید. و اگر نه، امیدوارم که پر شوید. و اگر پر از روح القدس باشید چه چیز را یافته‌اید؟ قوت الهی را یافته‌اید. محبت را یافته‌اید. آرامش و سلامتی را یافته‌اید. «سلامتی خود را به شما می‌دهم. نه چنانکه جهان می‌دهد.» شما آرامش و سلامتی را یافته‌اید. مهر و مختوم شده‌اید. علامت را یافته‌اید. آمین. آسایش پیدا کرده‌اید. شادمانی و صف‌ناشدنی و پرشکوه را یافته‌اید. شما خیلی محکم وصل شده‌اید. چه پر جلال است! این هویتی است که با داشتن روح القدس پیدا می‌کنید. شما دارای... اگر از روح القدس پر شوید، «از موت تا به حیات منتقل گشته‌اید.» و منتظر رستاخیز همگانی در روز بازپسین هستید.

۱۴۰ در دنیای آینده از طریق خداوندمان عیسی مسیح و آنکه آمدن او را در جلال و شوکت رؤیت کرده است، «دریا مردگانی که در آن بودند را باز خواهد داد.» «بدن‌های فسادپذیر آنها که در او به خواب رفته‌اند...»

«در او خوابیده‌اند.» چگونه وارد او می‌شوید؟ «جمع ما به یک روح در یک بدن تعمید یافتیم.»

«جسدهای فسادپذیر آنان که در او به خواب رفتند تبدیل خواهد گشت تا به شکل بدن جلال یافته و مجید او مصور شود، بر حسب عمل قوت خود که همه چیز را مطیع خود بگرداند.»

یوحنا گفت: «و آوازی از آسمان شنیدم که می‌گوید: بنویس که از اکنون خوشحالند مردگانی که در خداوند می‌میرند.» به چه شکل قرار است واردش شوید؟ «به یک روح در یک بدن تعمید یافتیم.» [برادر برانهام یک بار دست می‌زند- گروه تألیف.] «بلی، تا از زحمات خود آرامی یابند و اعمال ایشان از عقب ایشان می‌رسد.» آری!

او روح القدس را به خاطر همین فرستاده است. اطمینان خاطر مبارکی است، عیسی از آن من است! من در او هستم و او در من است؛ پدر در اوست و او در پدر و پدر در من و من در او.

عیسی از آن من است!

وَه، شگفتا از آن جلال الهی که پیش چشیده‌ایم!
من وارث نجات هستم، ابتیاع شده توسط پروردگار،
همان که چو در خونس شسته شد، به روح او مولود گردید.

آمین. بر سر این معامله نخواهم کرد. چه باشکوه!

ز تمامی یاقوت‌ها و الماس‌ها و سیم و زر،
پر است خزانه‌اش، او را ثروتی است که در وصف ننگجد.

زیرا من فرزند یک پادشاه هستم!

من فرزند پادشاه اعظم هستم!

اینکه عیسی منجی‌ام است،

مرا فرزند پادشاه اعظم می‌کند!

۱۴۱ آمین و آمین. آن را معاوضه نخواهم کرد. معاوضه‌اش نخواهم کرد. دو یا سه نگاهش... دیگر دارم.

به این ترتیب، این هم یک نگاشته‌ی دیگر. وقتی از روح القدس پر هستید، این چیزها را دارید. با این حساب نسبت به دنیا چه هستید؟ یک بیگانه. می‌دانم دیر است ولی هیچ‌گاه برای این دیر نیست. [برادر برانهام یک بار دست می‌زند-گروه تألیف.] یک بیگانه! آری!

ما در اینجا بیگانه و غریب هستیم،
در طلب شهری هستیم که خواهد آمد،
خواهد رسید از راه به زودی قایق نجات،
تا جواهرات خویش را جمع و راهی منزل کند.

۱۴۲ می‌توانم صدای شلپ شلپ آب را آنجا در رودخانه‌ی اوهایو بشنوم، وقتی واعظی جوان و حدوداً بیست و دو ساله بودم و این سرود را در آنجا می‌خواندم. و شنیدم... به بالای خود نگرستم و صدایی شنیدم که گفت: «به بالا بنگر.» و اینجاست که آن نور بزرگ که درست آن بالا معلق بود، فرود آمد تا روی من قرار گیرد. گفت: «چنانکه یحیی تعمیددهنده فرستاده شد تا مهیاکننده‌ی نخستین ظهور مسیح باشد، پیغامی خواهی داشت که مهیاکننده‌ی بازآمدن مسیح خواهد بود.»

خوب، چگونه می‌توانستم آن را باور کنم؟ ولی آنچه واقع شد و رخ داد درست به همان شکل بود. و امشب آتش و پاره‌های آتش بیداری روحانی در سراسر جهان شعله‌ور است. کلیسای عظیم فدیه شده‌ی خدا، خود را از آن مکان بیرون کشید و در کارزارهای بزرگ شفاها، آیات و عجایب و معجزات [رخ نمود] و نمایی از آمدن به دست داد.

۱۴۳ شما بیگانه هستید، شما غریبه هستید. کارهای غریب می‌کنید، متفاوت از آنچه در گذشته می‌کردید. رفتارتان مثل سابق نیست. خلاق... آن‌گاه که روح القدس بر شما قرار می‌گیرد و از روح القدس پر می‌شوید به امور دنیوی توجه نمی‌کنید. به اموری که می‌توانند شما را به دام انداخته، گرفتارتان کنند توجه نمی‌کنید. از آنها چشم می‌پوشید. سپس از دید خلاق، بدل به موجودی می‌شوید که رفتارش نامعمول است، مثل جوجه اردک زشت یا آن جوجه عقابی که در لانه‌ی مرغ از تخم درآمد. در این خصوص موعظه‌ای کردم با این عنوان: و آن‌گاه که عقاب آشیانه‌اش را حرکت می‌دهد. از دید آنها فرح‌بخش هستید.

وَه چه شگرف است که شما در شاهراه پادشاه گام برداشته و صعود می‌کنید! آمین. باری، این شاهراهی به سوی آسمان است. و من قدم‌زنان در شاهراه پادشاه صعود می‌کنم.

می‌گویند: «به آن غلتنده‌ی مقدس بنگرید، همان جوجه اردک زشت. این همان واعظ غلتنده‌ی مقدس است.»

۱۴۴ یک واعظ متدیست مشهور امروز در لوئیویل به آقای گفت: «دوست دارم به برادر بیلی کمک کنم ولی می‌دانید این کار چه عاقبتی دارد؟ موفقیت من به خطر خواهد افتاد.» لازم نیست شما خودتان را برای من به مخاطره بیندازید.

اوست که جان خود را برای من به مخاطره انداخت. آمین! ...؟! فقط قدم‌زنان در شاهراه پادشاه صعود می‌کنم، همین و تمام. چه شکوهمند! پر شده از روح او! مولود شده از روح او! شسته شده در خون او! هلولیا! شادمانم!

۱۴۵ و بعد هم یک نکته‌ی دیگر، چرا... چه چیز سبب می‌شود چنین کنید؟ شما هنوز یک انسان هستید ولی چه عاملی شما را بر آن می‌دارد تا چنین کنید؟ به این خاطر است که از جایی می‌آید، شما یعنی روحی که بر شما دمیده شده از بالا می‌آید. خداست که در شما قرار دارد.

۱۴۶ وقتی به رُم رفتم، متوجه شدم که همه‌ی آنها یک روح رُمی دارند. وقتی به یونان رفتم، همگی یک روح یونانی داشتند. به انگلیس رفتم، همگی روح انگلیسی داشتند. وقتی به جایی سفر می‌کنید، درمی‌یابید... و بعد هم روح آمریکایی را می‌بینید، وحشتناک است.

۱۴۷ وقتی وارد کاتاکومب (گورستان زیر زمینی) سن آنجلو واقع در رُم شدم، آن بالا تابلویی نصب کرده بودند [با این متن]: «بانوان آمریکایی، لطفاً به احترام مردگان لباس [مناسب] بپوشید.» روح آمریکایی.

بینید چطور از هواپیما پیاده می‌شوند و آن لباس‌های کوتاهی که خود را با آن پوشانده‌اند، طوری که همه آنها را تماشا می‌کنند، گویی میس آمریکا وارد می‌شود. این روح آمریکایی است. می‌توانید تشخیص دهید این خانم از کجا آمده است. پسر، با لباس شیک خودنما در حالی که یک سگ پودل کوچک دماغ او را پشت خود می‌کشانند. درست است. وای، بله، او... او، او آمریکاست. میس آمریکا؛ او پایین می‌آید و آن‌طور با افاده راه می‌رود. چرا؟ او خانمی است که روح آمریکایی دارد. [برادر برانهام شش بار بر روی تریبون می‌زند-گروه تألیف.] ولی عیسی گفت... آن روز او بر علیه این امر شهادت داد و گفت: «شما از پایین می‌باشید و من از بالا.»

و اگر روح مسیح را در خود دارید، از بالا هستید بنابراین اینجا بیگانه و غریب هستید.

۱۴۸ لیکن شما طبیعت جایی که از آن می‌آید را دارید. این مطلبی است که سعی دارم بگویم. یک رُمی که به اینجا می‌آید حسابی به فکر فرومی‌رود و مبهوت می‌شود. یک آلمانی که پا به اینجا می‌گذارد هم همچنین. همین‌طور یک آمریکایی که به آنجا می‌رود. چرا؟ چون روح‌های کشورهایی که از آن می‌آید را دارید.

این همان عاملی است که ما را بسی از دنیا متفاوت می‌سازد. شما از بالا هستید. شما مولود شده‌اید. شما شهروند و تبعه‌ی یک پادشاهی دیگر هستید. به این موضوع ایمان دارید؟ [جماعت می‌گوید: «آمین.»-گروه تألیف.] چیستی روح‌القدس این است، اینکه شما را به یک شهروند و تبعه‌ی پادشاهی خدا بدل سازد.

۱۴۹ پس اگر شهروند پادشاهی خدا هستید، او شما را ملزم می‌کند که چگونه رفتار کنید؟ همان‌گونه که خدا در پادشاهی خود رفتار می‌کند. حال، کار خدا در پادشاهی‌اش چیست و از چه جنس است؟ از جنس تقدس، عدالت، پاکی اندیشه، پاکی ذهن، قوت و محبت، رفتن به سوی گمشده‌ها و نجات نیافتگان، شفای بیماران، به جا آوردن معجزات، انجام کارهای عظیم. به این ترتیب از نگاه جهانیان مجنون به نظر می‌رسید و می‌گویند: «عقل در سر این آدم‌ها نیست.» توجه دارید؟ ولی شما شهروند پادشاهی آسمان هستید.

۱۵۰ یک نگاشته‌ی دیگر. اگر مایلید آن را یادداشت کنید، یوحنا ۱۲: ۲۴. بگذارید به سرعت آن را نقل کنم. عیسی گفت:

... اگر دانه‌ی گندم که در زمین می‌افتد... نمیرد، نمی‌تواند ثمر آورد

حیاتی دیگر را تولید نماید.

حال، بنگرید، اینک یک عرض پایانی در خور توجه. پس این را به خاطر داشته باشید که مطلقاً... اینک، قابل توجه شما جماعت، مطلقاً ضروری و واجب و اجباری و الزامی است که اکنون روح‌القدس را بیابید. زیرا اگر نیابید نمی‌توانید در رستاخیز بیابید. حال دقت کنید. خدا نمی‌تواند احکام خود را بشکند. می‌دانیم که او احکام و قوانین خود را پاس می‌دارد.

۱۵۱ حال، دانه‌ی گندم یا یک بذر... عین چیزی که عیسی در آنجا گفت را ذکر خواهیم کرد. مسلماً، یک بذر-بذر در کتاب مقدس... همین امروز داشتیم این مطلب را می‌خواندم که بذر می‌تواند در اشاره به دانه‌ی کتان یا هر نوع تخم باشد ولی گندم، جو، ذرت یا نظایر این از جنس بذر هستند. ولی وقتی دانه‌ی گندم می‌افتد و وارد خاک می‌شود حال... همه‌ی ما که اینجا هستیم این را دیده‌ایم و می‌دانیم که این اتفاق می‌افتد. یک دانه‌ی گندم یا یک بذر ذرت می‌تواند کامل‌ترین ظاهر ممکن را داشته باشد و اگر آن را در خاک بگذارید و اگر آن بذر...

یک زندگی مداوم و پاینده در آن جریان دارد. امروز پایین خواهد افتاد تا خود را در قالب ساقه باز تولید کند و به پایین برمی‌گردد و از نو بالا می‌رود و نمو می‌کند و باز به پایین برمی‌گردد. این یک زیست پایدار و مداوم است.

ولی اگر آن دانه زیواچه‌ی حیات را در خود نداشته باشد، هر قدر هم که زیبا به نظر برسد اهمیتی ندارد چون هرگز رشد نخواهد کرد. وارد خاک خواهد شد و خواهد پوسید، همین و تمام. بخشی از آن یعنی عناصر و مواد آن، برای بارورسازی زمین و چیزهایی که در زمین هستند قابل استفاده است. ولی تا جایی که سخن از این باشد که آن دانه باز هم زندگی کند، هیچ‌گاه زنده نخواهد شد جز آنکه زندگی پایا و مداوم را در خود داشته باشد. هر کسی این را می‌داند. اصلاً در توان شما نیست.

۱۵۲ امکان دارد دو شخص باشند که یکی از آنها کاملاً... هر دو آنها کاملاً شبیه به هم باشند. یکی از آنها می‌تواند آدم خوبی باشد و کارهای نیک بکند و نظایر این ولی او هرگز در جریان رستاخیز برنخواهد خاست مگر آنکه حیات جاودان را در خود داشته

باشد. این کار در توان او نیست. چیزی در آنجا و در وجودش نیست که برخاستنی باشد. چیزی نیست که او را برخیزاند، حیات [الهی] در وی نیست. پس برادر عزیزم، خواهر عزیزم، می‌بینی که تا وقتی انسان از نو مولود نشده باشد، از هیچ جهت نمی‌تواند وارد این ملکوت شود. نمی‌تواند. «اگر دانه‌ی گندم که بر زمین می‌افتد نمیرد.» او [عیسی] راجع به خودش حرف می‌زد. او صاحب حیات پایدار و مداوم نبود بلکه صاحب حیات ابدی و جاودانی بود و این حیات را به شما بخشیده است تا صاحب همان نوع حیات شوید.

۱۵۳ اکنون اگر تنها صاحب حیات انسانی هستید، همین برای حرکت و جابجایی شما از این سو به آن سو و عیش و هوس بس است. «لیکن زن عیاش در حال حیات مرده است.» نمی‌توانید قیام را تجربه کنید. چه بسا محبوب‌ترین دختر مدرسه باشید. شاید در میان معاشرانتان محبوب‌ترین دختر در بازی ورق باشید. شاید خوش‌پوش‌ترین خانم کشور باشید. چه بسا زیباترین باشید. شاید خوش‌هیكل‌ترین باشید. چه بسا برای شوهرتان یک بت باشید. می‌توانید همه‌ی اینها باشید که خارق‌العاده است. ولی خواهر تا وقتی روح‌القدس که حیات ابدی است را در خود نداشته باشید، انتهای این مسیر که برسد کارتان تمام است.

و به اینکه ظاهران چگونه است و این مسائل چگونه‌اند و چه اندازه محبوبید یا نامحسوب اهمیت نمی‌دهم یا به اینکه چه اندازه زیبا یا زشت هستید؛ اگر حیات جاودانی را یافته باشید آن‌گاه برای همیشه و تا ابدالابد زندگی خواهید کرد.

۱۵۴ آن‌گاه که ماه و ستارگان نیست شده و رفته باشند و زمین اشک‌های خود را در کوه‌ها و صحراها سرازیر کرده باشد و هر چیز دیگر یافت‌شدنی نباشد و دنیا به مانند مرد مستی که شب به خانه می‌آید بخرامد و ستاره‌ها تابش خود را بازدارند و از آسمان‌ها فروافتند و ماه به رنگ خون مبدل گردد و خورشید سرخ گشته و روی خود را پنهان نماید آن‌گاه که آمدن پسر انسان را ببینند، شما در عدالت عیسی مسیح خواهید درخشید تا در شمایل بانویی جوان و زیبا از قبر بیرون آیید و یار خود را برگیرید و تا همیشه و همیشه و همیشه زندگی کنید، در تمام ادوار و اعصار جاودانگی همچنان زنده خواهید بود. روح‌القدس برای همین است.

اگر کوچک‌ترین کششی در خود حس می‌کنید، روی خود را از آن امر الهی برنگردانید.

۱۵۵ روح‌القدس چیست؟ خدا در شما، برای چیست؟ برای ادامه دادن کار خدا در میان قوم خدا تا کلیسای او را جمع کند تا در این روز و روزگار کلیسای خود را به جا و نقطه‌ای بس فراتر از جایی که لوتری‌ها، متدیست‌ها و پنطیکاستی‌ها در آن هستند منتقل کند، به جایگاه تأیید و فرزندخواندگی و فیض منجر به ربوده شدن. به گونه‌ای که وقتی این بخش از کلیسا، وقتی روح وارد این کلیسایی که در اینجاست می‌شود؛ آن را برخواهد خیزاند و جمیع خریده‌شدگانی که آن روح را لمس کرده‌اند را خواهد آورد.

آن لوتری‌هایی که در مرحله‌ی عادل‌شمردگی آنجا همراه با تمام نوری که در اختیارشان بود ماندند، آن متدیست‌هایی که در گذر از مرحله‌ی تقدیس، بر اثر ضربه‌ی روح‌القدس بر زمین می‌افتادند و روی صورتشان آب می‌ریختند، آن پنطیکاستی‌هایی که خیابان را بالا و پایین می‌کردند و به آنها می‌گفتند «زبان گنگ» و «پرشانگو» و «زبان غازی» و همه‌ی اینها؛ آن اشخاص در آن روز عظیم، از نگاه پروردگار در موضع عدالت خواهند ایستاد، درست به همان اندازه که می‌توان حتم داشت که این کتاب مقدس اینجا قرار دارد، می‌توان از بابت این موضوع مطمئن بود. اگر باور دارید که یک خادم هستم... شما مرا نبی می‌خوانید هرچند من خود را با این عنوان معرفی نمی‌کنم. ولی گوش کنید، این را در نام خداوند به شما می‌گویم. پروردگار آنها که در مسیح هستند را در روز بازگشت او، در موعد رستاخیز، همراه او خواهد آورد. این اتفاق تنها برای کسانی که در مسیح هستند خواهد افتاد.

جماعت، چگونه در مسیح قرار می‌گیریم؟

۱۵۶ جمیع ما به وسیله‌ی یک اعتقادنامه ملحق شده‌ایم؟ خیر. جمیع ما با یک دست دادن جذب می‌شویم؟ خیر. جمیع ما در یک آب تعمید گرفتیم؟ خیر. یا اینکه جمیع ما به یک فرقه نام و هویت کسب می‌کنیم؟ خیر.

بلکه طبق اول قرنیتیان ۱۲:۱۳ «به یک روح، به روح‌القدس، به روح خدا، جمیع ما...» متدیست‌ها، بابتیست‌ها، لوتری‌ها، مشایخی‌ها «در نور سلوک می‌نماییم چنانکه او در نور است، با یکدیگر شراکت داریم و خون پسر خدا عیسی مسیح ما را از هر گناه پاک می‌سازد.» «جمیع ما به یک روح در یک بدن تعمید یافتیم. و شریک فیض او شدیم.»

۱۵۷ نمی‌توانید در داوری بیابید. «هر که کلام مرا بشنود و ایمان آورد.» تا وقتی کسی روح‌القدس را نیافته باشد نمی‌تواند ایمان داشته باشد. «و به فرستنده‌ی من ایمان آورد،» همان موعد که روح‌القدس بر قیام وی شهادت داد. «حیات جاودانی دارد و در داوری نمی‌آید بلکه از موت تا به حیات منتقل گشته است.» چه؟ هرگز در داوری گرفتار نخواهید شد. هیچ‌گاه برای داوری در برابر تخت سفید نخواهید ایستاد.

شما درست همین‌جا به استقبال داوری خود می‌روید. شما زمانی از داوری خود می‌گذرید که مسیر را طی کرده و می‌گویید: «خداوندا، من از نیکان نیستم و آنچه فراگرفته‌ام نیکو نیست، وارد من شو، مرا بگیر و هدایت‌م فرما ای خداوند. به اینکه این دنیای دیوانه چه می‌گوید اهمیت نمی‌دهم. خداوندا به وسیله‌ی روح هدایت‌م کن.» آن‌گاه داوری کرده‌اید. پس خویشتن را به خاطر مسیح جاهل بیانگارید و آن روز به قوت عدالت الهی وی، در حالتی که نامیرا و مانند او شده‌ایم خواهیم ایستاد.

۱۵۸ آن راه یگانه راه است. چطور؟ «جمیع ما به یک روح در یک بدن تعمید یافتیم.» و وقتی در آن بدن معظم هستید، داوری پیش‌تر بر آن بدن اعمال شده است و شما او را به عنوان کفارهی گناهان پذیرفته‌اید.

می‌گویید: «برادر برانهام، من همین کار را کردم.»

در این حالت، اگر روح‌القدس بازگردد و یک مَهر را به عنوان علامت به شما بدهد، همان روح شما را وارد بدن مسیح می‌کند. چرخیده، تغییر مسیر داده و بدل به خلقتی تازه در مسیح عیسی می‌گردید. «از موت تا به حیات منتقل گشته‌اید. چیزهای کهنه درگذشت و در مسیح تازه هستید!» آمین!

۱۵۹ آری برادر یا خواهر مسیحی من، خواهش می‌کنم بگذارید شما را قانع کنم. نگذارید این بیداری روحانی از کنارتان بگذرد. شما باید روح‌القدس را بیابید. آن چیست؟ روح خداست. برای چه کار است؟ برای راهنمایی، هدایت، پر ساختن و تقدیس شماست و برای دعوت شما به خروج به منظور ورود به کلیسای حقیقی.

کلیسا چیست، واژه‌ی کلیسا به چه معناست؟ «دعوت‌شدگان، جداشدگان» می‌توانم همین حالا از همین مبحث یک موعظه بیرون بکنم! «فراخوانده‌شدگان، جداشدگان» بیگانگان، دورشدگان از دنیا، در مقام بیگانه‌های غریب اعلام و اقرار می‌کنیم که ما را در این زمین شهری نیست که شوق زیستن در آن داشته باشیم. چه باشکوه!

۱۶۰ نظیر ابراهیم، اسحاق و یعقوب که محل اقامت و مسکنشان بر روی زمین خیمه‌ها بود. آنها به بیگانه و غریب بودن معترف بودند، ذریت وارث، وارث در آنجا... پدر، وارث. ما از ذریت آنها هستیم. «و آنها چشم انتظار شهری بودند که معمار و سازنده‌ی آن خداست.» آمین. آنها جستجو می‌کردند.

۱۶۱ و امروز ذریت آنها چشم انتظار شهری است که باید بیاید و می‌گوید: «نمی‌خواهم خودم را با این دنیا هماهنگ و تنظیم کنم. نمی‌خواهم کاری به کار این دنیا داشته باشم. در طلب و چشم انتظار شهری هستم که به شکل مربع ساخته شده است. منتظر شهری هستم که حیات جاودان در آن یافت میشود، جایی که خورشید هرگز غروب نخواهد کرد، جایی که هرگز پیری نخواهد بود، جایی که هرگز نوار مشکی بر روی دستگیره‌ی درها نخواهد بود یا گوری بر روی تپه. من در طلب آن شهرم که معمار و سازنده‌اش خداست.»

۱۶۲ تنها یک راه برای یافتن آن وجود دارد. «سنگی بود که بدون دست‌ها از کوه‌ها جدا شد و غلتان غلتان بر جهان فرود آمد و آن را خُرد نمود به گونه‌ای که مثل گندم... یا در واقع مثل کاه خرمن تابستانی گردید.» آن سنگ یعنی عیسی مسیح؛ برای جهان و جهانیان سنگ لغزش‌دهنده است، صخره‌ی مصادم، سنگ مورد تمسخر؛ سنگ لغزش برای کلیسا ولی برای ایمانداران سنگ گرانبها و جذب‌کننده است، صخره‌ی اطمینان، صخره‌ی آسایش و آرامی. شکوهمند است!

پیش به سوی آرامی! می‌دانم که از موت تا به حیات منتقل گشته‌ام. روحم در آرامی است. چه پر جلال! «بیایید نزد من ای تمام زحمت‌کشان و گرانباران و من شما را آرامی خواهم بخشید.» نبی به مریم گفت: «آیتی است که از آن به بدی خواهند گفت.» این یک آیت خواهد بود، حتماً خواهد بود. با این حال یک ضمانت و اطمینان خواهد بود. محبت خواهد بود. رضایت خواهد بود. چیزی خواهد بود که به واسطه‌ی آن خواهید دانست که از موت به حیات منتقل شده‌اید.

۱۶۳ برادر من، خواهر من، در مقام برادر و خادم شما در مسیح بگذارید با تمام قلبم این را به شما بقبولانم. نگذارید این امر مهم از بالای سرتان یا از کنارتان یا از زیر پایتان عبور کند. آن را در قلب خود پذیرا شوید و بر روی زمین شخص شاد و سرخوشی خواهید بود.

به شما قول نمی‌دهم که یک میلیون دلار نصیب شما خواهد شد. نه، آقا. برادر لئو، فکر می‌کنم اکنون از این دست وعده‌ها بسیار می‌دهند، «میلیون‌ها دلار» و این چیزها که افراد مختلف گفته‌اند. «اگر مسیحی شوی یک میلیون دلار نصیبت خواهد شد و آدم ثروتمندی خواهی شد.» من هیچ وعده‌ای به شما نمی‌دهم.

آنچه به شما وعده می‌دهم یعنی تنها چیزی که می‌توانم وعده‌اش را به شما بدهم نجات اوست. فیض او برای هر آزمایشی کافی است. مردمان دوران پنطیکاست حتی آنچه داشتند را هم نمی‌خواستند. اکنون شما از میلیونرها دم می‌زنید؟ آنها آنچه داشتند را هم نمی‌خواستند، خواهر آنجی.

۱۶۴ دلم می‌خواهد شما و خواهر گرتی (او کجاست؟) یکی از همین روزها [سرود] هفته‌ی بازگشت به خانه را بخوانید. بسیاری از آنها به آن سوی مرز گذر کرده‌اند. چه باشکوه!

آن مردم جویای چیزهای بزرگ نبودند. آنها خواهان پول نبودند. از همین روست که پطرس گفت: «مرا طلا و نقره نیست اما آنچه دارم به تو می‌دهم.»

و امشب من هم همین را می‌گویم دوستان. شادمانی، محبت و اطمینانی که در مسیح و در قیامش دارم، این چیزی است که دارم و آن را تقدیمتان می‌کنم؛ تقدیم به شما، به عنوان فرزندان خدا.

و اگر خدا شما را خواند، بیایید پای صلیب و آنجا بمانید و از آنجا بلند نشوید. فردا شب که آمدید یا وارد می‌شوید و تا اتمام کار می‌مانید؛ یا اینکه بالا بیایید و برایتان دعا خواهیم کرد و رویتان دست خواهیم گذاشت. بروید... این نظم و ترتیب مورد نظر کتاب مقدس است، دست‌گذاری بر روی آنها برای دریافت روح القدس. و سپس قرار است ما... راهی خانه‌ی خود می‌شوید. اگر همان‌جا بمانید، اگر تمام شب بمانید، روز بعد بمانید، روز بعدتر بمانید، در ایام تعطیلات بمانید، تا اول سال بمانید و باز بمانید تا وقتی که...

۱۶۵ به این ترتیب، هرآنچه فردا شب درباره‌اش تعلیم دادیم را در کتاب مقدس به شما نشان خواهیم داد و آنچه باید برسد و بیاید خواهد آمد. و وقتی می‌آید، شیاطینی که عذاب خواهند کشید در حدی نخواهند بود که... می‌دانید که از موت تا به حیات منتقل گشته‌اید. شما یک خلقت تازه در مسیح عیسی هستید. صدای زنگ‌های سرور و شادمانی در آسمان طنین‌انداز خواهد شد.

۱۶۶ برادر اوتال، به تو می‌گویم که او در وجود آتش برمی‌افروزد. اینجا یک پسر عزیز نشسته است، یکی از برادران عزیزم که [زمانی] گنگستر بود و با تفنگ‌های به کمر بسته‌اش راه می‌افتاد تا در گوشه و کنار دنبال کسی برود، کسی که بتواند مغزش

را متلاشی کند. و چه اتفاقی افتاد؟ یک روز نگاه کرد و به حیات الهی ایمان آورد. و به جلو حرکت کرد. جلساتم را دنبال کرد. این شخص بینوا غذای کافی برای خوردن نداشت، گرسنگی و تشنگی می کشید و نزدیک خیمه در میان بوته‌ها می خوابید. و یک روز روح القدس آمد. برادرم، تبدیلت کرد، نکرد؟ او حیات الهی را آورد و موت را بیرون راند. نفرت رخت برپست و محبت وارد شد. چه شکوهمند. دشمنی و نزاع کاملاً زایل شد، زندگی تازه وارد شد.

به اینجا بنگرید، به موارد دیگر و مواقع دیگر، اوقات و موارد دیگر تا به آنجا آری، زنگ‌های شادمانی در آسمان به صدا درمی آیند! دوستان، راهی برای وصف و بیان این امر نمی‌شناسم.

۱۶۷ گوش کنید تا بتوانم از این بحث خارج شوم. اگر به شهادتم در مقام یک خادم مسیح ایمان آوردید... تلاش کردم تا از طریق کتاب مقدس خدا درستی آن را به شما نشان دهم. و اگر گفته‌هایم در این خصوص اندکی عجیب به نظر می‌رسد، بد نیست نگاهی به آن تصویر که جهان علم ثبت کرده بیندازید. بر ثمره دقیق شوید، به ثمره‌ی همان ستون آتشی که بنی اسرائیل را هدایت کرد، بنگرید. به آنچه می‌کند و می‌گوید نگاه کنید.

آنکه سخن می‌گوید من نیستم، اوست که از طریق شما سخن می‌گوید. آنکه رؤیا می‌بیند من نیستم، اوست که به واسطه‌ی شما سخن می‌گوید. آنکه شفا می‌دهد من نیستم بلکه او که در شماست بیماران را شفا می‌دهد. آنکه موعظه می‌کند من نیستم، من نه رویش را دارم نه شهامتش را و حتی از فکرش هم گریزانم ولی اوست که از طریق من سخن می‌گوید. من دانشی از کلام ندارم ولی او دارد. همین. همین و تمام. حکایت همین است.

و خودش است. آن فرشته‌ی خدا امشب همین‌جا در این ساختمان است. [برادر برانهام بر روی تریبون ضربه می‌زند- گروه تألیف. ا. بلی، بسیار او را دوست می‌دارم!

۱۶۸ اینک چند نفر دلشان می‌خواهد روح القدس را بیابند؟ در زندگی خویش تفحص کنیم. چند نفر آن را نیافته‌اند و خواهان یافتن آن هستند؟ دست خود را برافرازید و بگویید: «برادر برانهام با تمام دلم خواهان یافتن روح القدس هستم.» پروردگار شما را برکت دهد، همه جا.

۱۶۹ چند نفر از شما آن را یافته‌اید و دوست دارید شبیه آن گروه در اعمال ۴ حرکت کرده و بگویید: «خداوندا، خداوندا، دست خویش را دراز کن به جهت شفا دادن و جاری کردن آیات و معجزات به نام بنده‌ی قدوس خود عیسی. و عطا فرما تا به دلیری تمام به کلام تو سخن گوئیم و پری تازه را تجربه کنیم.»؟ بله، این هم از من. پروردگارا آن را به من عطا فرما.

بیایید سرهایمان را خم کنیم و هر کس در کمال صداقت تمّای خود را در دلش حفظ کند.

۱۷۰ ای خداوند عیسی، پس از مشارکت حول کلام و روح القدس، این جلسه‌ی کوتاه را امشب به پایان می‌رسانیم. او ما را بس مبارک ساخت و روغن کلام خویش را در قلب‌های ما جاری کرد! در اینجا خادمان و افرادی حضور دارند که با هر نوع پیشینه و موقعیت زیستی و اجتماعی، نیکویی خدا را چشیده و رؤیت نموده‌اند. اکنون می‌دانیم که روح القدس وعده‌ی خداست. حیات ابدی است برای همه‌ی آنها که ایمان دارند.

۱۷۱ و این را می‌دانیم که روح القدس، روح عیسی مسیح است که بازفرستاده شده است و او امروز در ماست. همان‌طور که خدا زمانی فوق از ما بود، در ستون آتش؛ سپس با ما راه رفت، در... یک بدن که عمانوئیل نام داشت یعنی «خدا با ما» و اینک او در ماست، از طریق روح القدس، خدا در ما. جلال!

عیسی گفت: «در آن روز خواهید دانست که من در پدر هستم و شما در من و من در شما. در آن روز این را خواهید فهمید. زیرا اینک شما در جهان ظلمت و تاریکی هستید ولی در آن روز خواهید دانست.»

۱۷۲ ای پدر نمی‌توان موضوع را روشن‌تر از این بیان کرد چون دیگر فضا برای تجلی ایمان باقی نخواهد ماند. ولی جمیع اعمال خدا تحت فرمان ایمان هستند. و با ایمان به کلامت و در حجت روح القدس که اکنون از کیفیت حضورش آگاهیم، می‌طلبیم تا هر جان گرسنه‌ی حاضر در اینجا از روح القدس پر شود. آنها که آن را نیافته‌اند و گرسنه و بی‌قرارند تا آن را بیابند فقط یادتان باشد... عرضمان به آنها این است، خداوندا، چنانکه فرمودی: «خوشابحال گرسنگان و تشنگان زیرا ایشان سیر خواهند شد.» این یک وعده است. و حتی گرسنگی کشیدن امری است که مشمول برکت قرار گرفته است. و مبارک و سعادت‌مندید شما که می‌دانید که خدا با شما سخن گفته است زیرا فرمود: «کسی نمی‌تواند نزد من آید مگر آنکه پدری که مرا فرستاد او را جذب کند.»

۱۷۳ و خداوندا، آنها که از قدما و پیشکسوتان اینجا هستند هم دستان خویش را برافراشته‌اند. من هم همین‌طور. خداوندا، به ما توان و نیرو ببخش، به ما آن قوت الهی را عطا فرما تا وسیله شویم و دست فرزند قدوست عیسی دراز شده و آیات و معجزات جاری گردد تا شاهد خدمتی با عمق بیشتر باشیم، یک چیز عظیم‌تر نسبت به هر آنچه تا کنون رخ داده است. عطا فرما تا به دلیری و محبت با مردم سخن گوئیم. عطا فرما ای خداوند. در همه‌ی امور کنارمان باش، در نام عیسی می‌طلبیم.

۱۷۴ و خداوندا، بشود که فردا شب بادی پر شتاب و قدرتمند وزیده، به درون این ساختمان نازل گردد تا واقعه‌ای درست نظیر روز پنتیکاست را دگرباره تجربه کنیم. شالوده‌گذاری انجام شده است. همه چیز آماده است. گاوهای نر کشته شده‌اند، پروراری‌ها کشته شده‌اند، قوچ‌ها کشته شده‌اند، میز چیده شده است، مهمانان دعوت شده‌اند. خداوندا، فردا شب در این ساختمان یک جشن یوبیل از جنس پنتیکاست برپا نما و پدر هر جان را از طریق تعمید روح القدس پر ساز. عطا فرما پدر. این را در نام عیسی می‌طلبیم. آمین.

... بسا چیزها خواهیم آموخت،
 ما را چنگی خواهد بود از زر، شاید با سیم‌های هزارگانه؛
 ترنم و فریاد و رقص خواهیم کرد، برّه اشک‌هایمان را پاک
 خواهد کرد؛
 ما را خانه... یک هفته بازگشت به خانه بزرگ را خواهیم داشت،
 در نخستین ده هزار سال. آمین!
 به خون گرانبهای پسر خدا، بهر نام او، تطهیر و تقدیس شده‌اند
 قومی شگفت‌انگیز که عروس نام دارد.
 هر چند تحقیر و نادیده گرفته شدند لکن خداوند روزی
 برگزیدگان خویش را وارد دروازه خواهد کرد و این می‌ارزد به
 هر آنچه...



چرا روح القدس داده شد؟ FRS59-1217
(What Was The Holy Ghost Given For?)

در باب روح القدس

برادر ویلیام ماریون برانهام این پیغام را به زبان انگلیسی در عصر پنجشنبه ۱۷ دسامبر ۱۹۵۹ در خیمه برانهام در جفرسون ویل ایالت ایندیانا آمریکا ایراد کردند. این پیغام بر روی یک نوار مغناطیسی ضبط شد و به شکل کامل به زبان انگلیسی به چاپ رسید. برگردان فارسی این اثر با کوشش انتشارات Voice Of God Recordings چاپ و پخش می‌گردد.

FARSI

©2020 VGR, ALL RIGHTS RESERVED

VOICE OF GOD RECORDINGS
P.O. Box 950, JEFFERSONVILLE, INDIANA 47131 U.S.A.
www.branham.org